

عاشقانه



ویژه امام زمان
عجل الله تعالی
فرجه الشریف

نود و دومین شماره نشریه الکترونیکی امان
دوماهنامه - ویژه شهریور و مهر ۱۴۰۴



بسمه تعالی

مظهر الحالی
امام خامنه‌ای
۱۳۸۴/۰۶/۲۹

یکی از برکات اعتقاد به مهدویت این است که انسان احساس اطمینان میکند؛ احساس قوت قلب میکند، احساس قدرت میکند، و ملت ما بحمدالله این گونه است.

قوت
قلب



دوماهنامه امان - شماره ۹۲

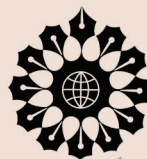
صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

سر دبیر: حجت الاسلام محمدرضا نصوری

دبیر علمی: حجت الاسلام تقی حاتمی

گرافیک و صفحه آرایی: زهره رجبی شبیزری

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان نهادی فرهنگی، غیرانتفاعی و غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل که دارای تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران می باشد؛ به منظور ترویج و توسعه فرهنگ مهدویت و آشناسازی اقشار جامعه به ویژه نسل جوان با شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحکیم پایه های امامت و ولایت، پس از کسب موافقت مقام معظم رهبری از سوی حضرت حجت الاسلام والمسلمین قرائتی در تاریخ ۱۳۷۹/۰۹/۰۳ تأسیس گردید.



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

راه اراده‌ها

این راه، راه اراده است؛ بله، راه اراده است؛ باید با اراده حرکت کرد، باید با تصمیم حرکت کرد. جاذبه‌ها برای زاویه ایجاد کردن از این صراط مستقیم کم نیست. همیشه این زاویه‌ها بوده، و امروز بیشتر از همیشه است. اراده‌ی قوی لازم است تا در مقابل این جاذبه‌های شیطانی بتوانید مقاومت کنید. اگر مقاومت کردید، آن وقت قلّه رافتح خواهید کرد؛ و به قلّه‌ی حاکمیت دین خدا، حاکمیت حق، حاکمیت عدل، به قلّه‌ی رسیدن به مقصود و غرض از خلقت انسانی که عبارت از تکامل انسان و کمال بشری باشد خواهید رسید؛ کاری که از بعد از زمان رسول خدا تا امروز انجام نگرفته. این کار، کار شما است. شما جوانهای امروز میتوانید مایه‌ی امید باشید، و مایه‌ی امیدید. بحث «میتوانید» نیست؛ مایه‌ی امیدید.

بیانات در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی سال ۱۴۰۲





نهم ربیع، جشن و بیعت؛ چرا و چگونه؟!

مصاحبه با حجت الاسلام دکتر محمد صابر جعفری

وقتی که سخن از برگزاری جشن یا شادمانی به مناسبت آغاز امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و بیعت با ایشان می شود. برخی می پرسند: معنای این کار چیست؟ مگر در عصر امامان شیعه چنین رسمی بوده است که امامی شهید شده و روز بعد، برای امامت فرزندش شادمان باشند؟ پرسش دیگر اینکه آیا این درست است که عده ای قصد دارند با طرح جشن نهم ربیع به عنوان آغاز امامت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با برنامه های دیگر در چنین روزی مقابله کنند؟ و اصولاً بیعت با امام یعنی چه و چه ثمره ای دارد؟ با امام چه بیعت های باید صورت گیرد؟ بیعت در عصر غیبت چگونه است؟ این پرسش ها زمینه ای برای ورود به بحث پیش رو فراهم می سازد.

آیا شیعیان برای به امامت رسیدن امامی، جشن می گرفته اند؟

دو نوع شادمانی برای به امامت رسیدن امام داریم. یکی وقتی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت علی علیه السلام را به عنوان امام معرفی می کند. برای این امر، مراسم داشتیم و امامان هم بر آن و بزرگداشت آن تأکید کرده اند؛ وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت علی علیه السلام را به عنوان امام در غدیر مطرح می کنند که یک حالت عمومی دارد، این همراه خودش، جشن دارد؛ تا چند روز افراد به امیرالمؤمنین علیه السلام تبریک می گفتند؛ حتی بعد از این واقعه هم، وقتی کسی خبردار می شد به آن حضرت تبریک می گفت؛ حاجیانی که به مناطق خودشان برمی گشتند و این خبر مهم را به منطقه خودشان می رساندند، عده ای که تازه خبردار می شدند باز هم به امیرالمؤمنین علیه السلام تبریک می گفتند. جشن گرفتن در این روز در سیره علما هم بود است. با اینکه عید قربان و عید فطر از عیدهای اسلامی است؛ اما علاوه بر این دو عید، عید غدیر را بسیار گرامی می داشتند.

اما نوع دوم، آغاز امامت، بعد از شهادت امام قبلی است. سیره اهل بیت علیهم السلام در این مورد چگونه بوده است؟ اول اینکه طبیعی است که ایشان به مناسبت شهادت امام قبلی، محزون بوده اند. شیعیان نزد امام جدید می آمدند و ابتدا شهادت امام قبلی را تسلیت می گفتند و سپس با امام جدید بیعت می کردند. امام با تعابیر مختلف به اینها می گفتند خوشحال باشید که با ما هستید و شیعیان هم خوشحال بودند که گمراه نشده اند و امام بعدی را شناخته اند و مثلاً هفت امامی نمانده اند؛ به خصوص تا زمان امام رضا علیه السلام که سرآغاز دوازده امامی شدن شیعه است؛ یعنی ما هفت امامی و شش امامی داریم، اما هشت امامی نداریم؛ هر کسی امام رضا علیه السلام را پذیرفته است بقیه ائمه را هم قبول کرده و دوازده امامی شده است. البته اهل بیت در یک فضای حزنی زندگی می کردند و می فرمودند بنی امیه برای ما عید نگذاشتند؛ بنابراین سیره آنها بیشتر به تسلیت و حزن متمایل بوده است. در تقویم های ایران قدیم، این روز به نام تاجگذاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح بوده است؛ ولی پس از انقلاب اسلامی، تعبیر تاجگذاری تغییر کرد. این سخن صحیح نیست که کسی بگوید ما در بین علما، کسی را نداشتیم که به نهم ربیع اهتمام بورزد!

آیا این نهم ربیع رادر مقابل آن نهم ربیع درآورده اند؟!

ضمن عرض تسلیت شهادت امام قبلی، با امام جدید هم تجدید عهد و بیعت می کردند؛ حتی امامان قبل از شهادت، برای امام بعد نیز از مردم بیعت می گرفتند؛ گاهی وقت ها پیامبر یا امام، نسبت به امام بعدی، از افراد عهد و پیمان خصوصی و عمومی می گرفتند. جالب اینکه گاهی هم برای خودشان از مردم عهد و بیعت می گرفتند؛ مثلاً پیامبر اسلام ﷺ از مسلمانان همراه خویش بیعتی گرفت که بعدها «بیعت رضوان» نامیده شد. ائمه علیهم السلام هم برای امامت خود از مردم بیعت مجدد می گرفتند یا متذکر بیعت گذشته می شدند.

حضرت علی علیه السلام چند بار متذکر بیعت می شوند؛ امام حسین علیه السلام نیز یک سال پیش از واقعه عاشورا در منی، یادآور بیعت می شود و وقتی امام حسین علیه السلام و حضرت علی علیه السلام از مردم می خواهند و جواب نمی دهند، آنها را نفرین می کنند.

«انشدکم الله»، شما را به خدا قسم می دهم که شما نبودید که پیامبر فرمود: «اولی بکم من انفسکم»؟ چهار پنج تا از صحابه پیامبر ﷺ می گویند ما پیرمرد شدیم و یادمان نمی آید که حضرت آنها را نفرین می کند.

این نکته مهم است که گاهی وقت ها امام، جامعه را به آن بیعت با خود متذکر می شود.

بنابراین با نزدیک شدن به ایام نهم ربیع الاول، آغاز امامت یگانه منجی عالم بشریت و سخن از بیعت با امام زمان ﷺ؛ برای کسی احساس غریبی پیش نیاید؛ زیرا تجدید عهد و بیعت برای جریان امامت امام چیز عجیبی نیست.

خیر. جشن و شادمانی برای آغاز امامت امام عصر علیه السلام پیش از انقلاب اسلامی هم بوده است و اصلاً حادثه دیگری در نهم ربیع نبوده است. خلیفه دوم در اواخر ذی الحجه از دنیا رفته است و ربطی به نهم ربیع ندارد؛ البته چون نهم ربیع به روز قتل خلیفه دوم معروف بود، بنابراین برای برخی از سالروز آغاز ولایت امام عصر علیه السلام پررنگ تر بود؛ اما به این معنا نبود که آغاز امامت امام مورد غفلت واقع شود؛ البته دست هایی در کار است؛ دست هایی که می خواهند وحدت را برهم بزنند؛ وگرنه کسانی که در نظام مادم از وحدت زدند، از همه بیشتر تبیین گر ولایت بوده اند، مثل امام راحل؛ این همه از وحدت صحبت کرد، ولی خود امام علی علیه السلام از همه بیشتر ولایتی و مبلغ ولایت بود؛ مقام معظم رهبری ﷺ هم از وحدت صحبت می کنند و هم در مورد جایگاه اهل بیت علیهم السلام، جایگاه برتری امیرالمؤمنین علیه السلام، جایگاه برتری اهل بیت علیهم السلام صحبت می کنند، و یا مجالسی که در بیت خودشان برگزار می کنند، هیچ کدام منافاتی با بحث وحدت ندارد؛ اما برخی از آدم ها که دم از وحدت می زنند، فحش هم می دهند، لعن هم می کنند؛ هیچ موفقیتی در جهت ترویج و تبلیغ مکتب اهل بیت و ترویج شیعه نداشته اند.

بیعت چیست؟

بیعت از بیع می آید به معنای معامله و خرید و فروش؛ خداوند در آیه ۲۰۷ سوره بقره می فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» برخی از مردم هستند که جان خودشان را برای رضای خداوند متعال می فروشند». و یا تعبیری که در مورد انسان وجود دارد این است: انسان در یک نوع معامله قرار دارد، «وَالْعَصْرُ: إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»؛ انسان در سود و زیان است. وقتی دنیا مزرعه شد، انسان دائم در حال معامله است و در سود و زیان است و دائم دارد از او کم می شود و خسر یعنی همین. اگر انسان در معامله و سود و زیان است، دین، بیع او را جهت می دهد و جهت دهی آن، بیعت با امام است. کار دین جهت دهی به معاملات انسان است؛ جهت دهی به اینکه تو زندگی ات را، فکرت را، ذکرت را، وقتت را، قلمت را، غلقه هایت را، دغدغه هایت را و هزینه های مالی ات را برای چه مصرف کنی؟ دین جهت می دهد که سرمایه های وجودت را به چه کسی بفروشی. امام علی علیه السلام می فرماید: «إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا»؛ قیمت جان شما بهشت است، پس نفروشید آن را مگر به بهشت».

نهیج البلاغه، حکمت ۴۵۶
تازه این بهای جان شماست و بالاتر از این روح شماست که بهای آن، خود خداست. پس حالا که قرار است جان ما برود، برای که و برای چه برود؟ چه بخواهیم و چه نخواهیم این جانمان دارد رایگان می رود. چه خوب است که این جانمان را به دست کسی بسپاریم که هم خوب مدیریت می کند و هم دوستان دارد. بیعت این ثمره را هم دارد که وقتی فهمیدی طرف حسابت امام حسین علیه السلام یا امام عصر علیه السلام است، رفتارت، زندگی ات، برخوردت، همه به او بیشتر متمایل می شود.

آیا این بیعت سابقه داشته است؟

چنانکه گفتیم، تجدید عهد و پیمان و بیعت با امام، سابقه داشته است؛ به عبارت دیگر، سیر زندگی اهل بیت علیهم السلام اینگونه بوده است که هرگاه امامی به شهادت می رسید، شیعیان نزد امام بعدی می آمدند و عرض ارادت می کردند و

بیعت چه اثری برای ولی خدا و اهداف او دارد؟!

بیعت زمینه باز شدن دست ولی خدا در اهداف را ایجاد می کند. اصلاً بیعت و وفای به بیعت، باعث تحقق جامعه و حکومت دینی می شود یعنی با بیعت مردم یثرب، پیامبر از مکه به آنجا هجرت کرده و جامعه نبوی و حکومت اسلامی را محقق کرد. منتها دو نوع بیعت لازم است و یکی کافی نیست.

یعنی باید دوبار بیعت کنیم؟!

یعنی باید دو نوع بیعت کنیم. مردم یثرب که بعدها اسمش مدینه شد؛ دو نوع بیعت با پیامبر ﷺ کردند: سال دوازدهم بعثت در میان سختی های شدید مردم مکه و بعد رحلت حضرت خدیجه و حضرت ابو طالب، شدت سختی ها بر پیامبر و مسلمانان بسیار شده بود. خطر شهادت پیامبر مطرح بود. دوازده نفر از یثرب آمدند در منطقه جمرات مکه با پیامبر ﷺ بیعت کردند؛ اما با بیعت آنان پیامبر هجرت نکرد مفاد بیعت نامه شان اخلاقی بود.

«برای خدا شریکی قائل نشوند، دزدی نکنند، مرتکب زنا نشده، پاکدامن باشند، فرزندان خود را نکشند، بهتان و افترا نزنند، در کارهای نیک، نافرمانی پیامبر ﷺ را نکنند» (بیعت عقبه اولی به «بیعة النساء» معروف گشت؛ احتمالاً به این جهت بود که بیعت ایشان نظیر بیعت پیامبر خدا ﷺ با زنان بود).

اما سال سیزدهم هفتاد مرد و دو زن از اهالی یثرب با پیامبر بیعت کردند و پیمان بستند که از ایشان دفاع کنند. این پیمان به «عقبه دوم» معروف شد و پس از آن بود که مسلمانان هجرت به مدینه را آغاز کردند. اما مفاد بیعت متفاوت بود. این بیعت به «حرب» نام گذاری شد. «بیعت جانفشانی».

این دو بیعت، هر دو لازم است و تحقق هر دو، زمینه تسلط ولی خدا را فراهم می آورد.

بیعت اخلاقی اول لازم است چون اگر نباشد؛ انسان با ولی خدا سختیتی ندارد؛ اما این بیعت کافی نیست. بیعت دوم که شد پیامبر به یثرب هجرت کردند بیعت دوم و متعهد بودن به آن اگر نباشد ولی خدا تنها می ماند، برای امام زمان عجل الله تعالی و ظهور او هم خوب بودن لازم؛ ولی کافی نیست. جانفشانی و لوبه اندازه یک تیر و سهم آمادگی فداکاری شرط است.

چرا هر ساله تجدید بیعت می کنیم؟!

در سختی ها، افراد با ولی خدا تجدید بیعت می کردند

ماجرای خدیجه را ببینید پیامبر ﷺ از مردم خواست دوباره بیعت کنند. شد بیعت رضوان و آن فتح مبین را رقم زد. یا وقتی امیرالمؤمنین عیسی بن ابی طالب با فتنه طلحه و زبیر مواجه شد و بهانه آنان برای بجا آوردن عمره، از آنان خواست باید دوباره بیعت کنید. ما با حوادث مختلف و فتنه های متفاوت آخرالزمان مواجه ایم و تکرار این بیعت ها، ما را مستحکم تر می کند

آیا اهل بیت عیسی بن ابی طالب به بیعت ها هم با افراد احتجاج کرده اند؟

بله چنانکه گفته شد اهل بیت عیسی بن ابی طالب به بیعت احتجاج کرده اند. یا مثلاً حضرت زهرا عیسی بن ابی طالب موقعی که با انصار و مهاجر سخن می گفت در آغاز انحراف سقیفه، به آنان یادآور می شد که شما با پیامبر ﷺ بیعت کردید که مدافع او و اهل بیت اش باشید. چرا الان کوتاهی می کنید؟! حضرت فاطمه زهرا عیسی بن ابی طالب می فرمود: ای مهاجران و ای انصار. خدا را یاری کنید. من دختر پیامبر شما هستم. شما در روزی که با رسول خدا بیعت کردید متعهد شدید که از آن چیزی که خود و فرزندان شما را حفظ می کنید او و فرزندان او را نیز محافظت کنید. پس حالا به بیعتتان با رسول خدا عمل نمایید. (الإختصاص، النص، ص: ۱۸۴)

بیعت یعنی جانفشانی برای شخص امام، ارتباط این مطلب با ولی فقیه و عصر غیبت چیست؟

یک. بیعت با امام زمان عجل الله تعالی، بیعت با نائب او را هم شامل است: مفاد «بیعت حرب» جانفشانی برای ولی خدا و اهل او و هر آنچه او مد نظر دارد است؛ چنانکه در بیعت اخلاقی هم بیعت بر اطاعت ولی خداست پس بیعت کننده با امام زمان عجل الله تعالی؛ اولاً: مطیع اوست و دستورات امام را باید اطاعت کند. دستور امام درباره پیروی از نائب او و فقیه را هم اطاعت می کند؛ ثانیاً: جانفشانی امام و اهداف و هر آنچه مربوط به اوست خواهد بود پس جانفشانی فقیه و نائب امام هم خواهد بود.

دو. بیعت با فقیه در ادامه بیعت با امام است: همانطور که در ادامه بیعت با پیامبر؛ بیعت با جانشینان پیامبر لازم است. در عصر غیبت و در ادامه بیعت با امام زمان عجل الله تعالی، این دو بیعت برای فقیه دارای ولایت نیز، صادق است؛ یعنی با ولی فقیه، هم باید بیعت اول را داشت. رفتار درست فردی و اجتماعی همراه با اطاعت از ولی فقیه و هم «بیعت حرب و جانفشانی»، حفظ و دفاع و یسلم و حرب را، و الا فقیه در عصر غیبت نمی تواند اهداف الهی و وظایف خود را محقق کند و دشمنان جامعه دینی و مؤمنان و دین را نابود خواهند کرد.

مهدویت تجلی عهد و میثاق الهی

حجت الاسلام سید حسن هاشمی

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» [اعراف، آیه ۱۷۲] می فرمایند: «همانا خداوند از شیعیان ما بر ولایت، پیمان گرفت؛ درحالی که آن ها در عالم میثاق و در بدن های ذره ای بودند». [الکافی، ج ۱، ص ۴۳۶]

خداوند، در عالم میثاق، از همه افراد، نسبت به محبت و اطاعت و فرمان برداری از امام زمانشان، پیمان محکمی اخذ نموده و به عبارتی، با آن ها قرارداد بسته است تا در دنیا به ولایت ائمه معصومین علیهم السلام متعهد بمانند و از حمایت و یاری امام خود، دست نکشند.

عهد و عقد و بیعت سه مرتبه از یک حقیقتند که در شدت و ضعف با یکدیگر تفاوت دارند. باید با بازخوانی و تجدید عهد در هر پگاه و بیعتی تا همیشه، هم اراده و انگیزه خود را قوی کرد و افزایش داد و هم از غفلت ها و سستی ها جدا شد و فاصله گرفت.

امام صادق علیه السلام، در این مورد می فرمایند: «خداوند احدی را خلق نکرد و رسولی را نفرستاد، مگر آن که آن ها را به ولایت محمد و علی و جانشینانش فرامی خواند و از آن ها بر این ولایت، تعهد می گرفت» [بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۹۰]

از همین رو، در زیارت شریف آل بیس، ضمن عرض ادب به محضر مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، با این سلام، ایشان را مورد خطاب قرار می دهیم: «السلام عليك يا ميثاق الله الذي اخذه ووكدته»؛ «سلام بر توای پیمان الهی، که خداوند از مردم برای وفای به آن، پیمان محکمی گرفت و بر آن، تأکید نمود. خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در ضمن نامه ای به شیخ مفید، خویش را این چنین معرفی می فرمایند: «از طرف کسی که خداوند برای او از بندگان پیمان گرفته است». بنابراین، یکی از وظایف شیعیان، تجدید عهد و پیمانی است که با امام خود دارند. به همین خاطر در دعای عهد، می خوانیم: «انی اجدد له فی صبیحة یومی هذا و ما عشت من ایامی عهدا و عقدا و بیعة فی عنقی لا حول عنها ولا ازل ابد»؛ «خدایا، من در صبح امروز و تا روزی که زنده باشم، عهد و پیمان و بیعت او را که به گردن دارم، تجدید می نمایم و هرگز از آن بر نمی گردم».

پس شایسته است که انسان منتظر، عهد و پیمان خود را هر روز، با امام زمان خود، تجدید نماید؛ تا ضمن برقراری ارتباط روحی با آن حضرت، و اعلام آمادگی برای نصرت، عهدی که با امامش دارد را فراموش نکند و افکار و عقاید و اعمال خود را طبق پیمانی که با آن حضرت دارد، تنظیم نماید؛ تا مبادا از حریم ولایت آن امام عزیز، دور گردد.

در «دعای عهد» می‌خوانیم: خدایا مرا، از یاران و مددکاران و دفاع‌کنندگان از او قرار ده، و از شتابندگان به سویش، در برآوردن خواسته هایش، و اطاعت‌کنندگان اوامرش، و مدافعان حضرتش، و پیش‌گیرندگان به جانب خواسته اش، و کشته شدگان در پیشگاهش.

توجه به میثاق و پیمان به حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به بندگان خدا نیز تجلی همان میثاق خداوند سبحان می‌باشد؛ دوستداران خدا و بالتبع دوستداران رسول خدا و حجج الهی علیهم السلام را دوست دارند مانند امام حسین علیه السلام، که وقتی یاران بر پیمان خویش مانند ایشان هم چه احساس و غیرت و محبتی به ایشان بروز دادند.

یک. چرا باید به عهد و پیمان خود وفادار باشیم؟

دو. این عهد و پیمان چه اثری بر من و جامعه‌ام خواهد داشت؟

هر اندازه این نعمت والا یعنی عهد و بیعت با امام علیه السلام بیش‌تر مورد توجه قرار گیرد و از آن سپاس و شکرگزاری شود نعمت بهره‌گیری از وجود مبارک امام علیه السلام بر مردم و پیروان آن حضرت افزوده می‌گردد تا که انسان تحت ولایت بیشتر و تدبیر قوی‌تر امام علیه السلام قرار گیرد. دعای عهد امام معصوم علیه السلام به ما این گونه آموخته است که هر صبحگاهان قبل از هر کار و بعد از انجام فریضه صبح بگوییم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعِدُّ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي غُنْقِي، لَا أَخُولُ عَنْهَا، وَلَا أَزُولُ أَبَدًا...» (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۵، باب ۳۹)؛ پروردگارا! من در صبح امروز و هر روزی که زنده‌ام، با امام خود تجدید عهد و پیمان می‌کنم. بیعت آن بزرگوار را بر گردن خویش تجدید می‌نهم و از آن باز نمی‌گردم و هرگز آن را (از صفحه دل) پاک نمی‌سازم.

حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای که به عهدنامه مالک اشتر معروف است، این نکته‌ی مهم و ضروری را گوشزد می‌کند که: اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد شد، یا در پناه خود او را امان دادی به عهد خویش وفادار باش، چون هیچ یک از واجبات الهی مانند وفای به عهد نیست که همه‌ی مردم جهان با تمام اختلاف افکار و تمایلاتی که دارند، در آن اتفاق نظر دارند و محترم شمرده می‌شود. (نهج البلاغه/ نامه ۵۳)

مسلم ابن عوسجه در استقامت و پایداری در عهد و میثاق خود با امام زمانش شهره است. شب عاشورا خطاب به امام حسین علیه السلام گفت: اگر هفتاد مرتبه مرا بکشند، بسوزانند، قطعه قطعه کنند و دوباره زنده شوم، هرگز از تو دست بر نمی‌دارم. (بحار الانوار ج ۴۴ ص ۳۹۳)

(مقتل الحسین خوارزمی ج ۲ ص ۱۵)

یعنی حتی لحظه شهادت حق رفاقت خود را خرج عهد و میثاق با امام زمانش میکند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرمؤمنان علیه السلام در بحران‌ها و مواقع حساس با یاران خود تجدید عهد کرده و از آنان بیعتی دوباره می‌گرفتند، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در عصر ظهور به خاطر شرایط سختی که یارانش پیش رو دارند از آن‌ها چنین بیعت می‌گیرد: ...مسلمانی را دشنام ندهند، ...حریمی را هتک نکنند، به خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، طلا و نقره و گندم و جو انباشت نکنند، مال یتیمان را نخورند، ...لباس خرو حریر (لباس‌های فاخر و اشرافی) نپوشند، ...در زندگی به اندک بسنده کنند، ...امر به معروف و نهی از منکر کنند و در راه خدا به شایستگی جهاد نمایند.

(منتخب الاثر، ص ۵۸۱)

میثاق با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ یعنی زمینه ظهور او را فراهم ساختن.

میثاق با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ یعنی بسط عدالت و فرهنگ عدل‌پذیری در جامعه و نهادینه کردن آن.

میثاق با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ یعنی تلاش در جهت اصلاح خود و جامعه.

میثاق با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ یعنی حاکمیت ولایت معصوم در فکر و اندیشه، عاطفه و احساس، اقدام و عمل.

میثاق با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ یعنی جلوه خواست امام در جای جای زندگی از خانه و مدرسه گرفته تا کوچه و بازار.

میثاق با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ یعنی بسیج همه امکانات و به کارگیری تمام توان جامعه برای ایجاد شور و رغبت اجتماعی به ظهور و دولت کریمه و زمینه‌سازی آن.





قصه انتظار فرج

انتظار، بهترین عمل

عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمْتَى إِنْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ [بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲]
امام هشتم عليه السلام به نقل از پدران بزرگوارش از رسول خدا ﷺ فرمود: برترین اعمال اُمت من انتظار فرج از خدای عزوجل می باشد.

انتظار، یک عبادت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ... إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ عِبَادَةٌ. [همان، ص ۱۲۲]
رسول خدا ﷺ فرمود: ... انتظار فرج عبادت است.

انتظار، برترین عبادتها

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ. [همان، ص ۱۲۵]
رسول خدا ﷺ فرمود: برترین عبادت انتظار فرج است.

انتظار، محبوبترین اعمال

سَأَلَ عَنْ عَلِيٍّ رَجُلٌ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. قَالَ عليه السلام: إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ. [همان، ص ۱۲۲]
مردی از امام علی عليه السلام سؤال کرد: محبوب ترین اعمال پیش خدا کدام است؟ امام عليه السلام فرمود: انتظار فرج.

انتظار، بزرگترین گشایش

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام: إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ. [همان، ص ۱۲۲]
امام سجاد عليه السلام فرمود: انتظار فرج از بزرگترین گشایش هاست.

انتظار، برترین عمل شیعه

قَالَ الْجَوَادُ عليه السلام: أَفْضَلُ أَعْمَالِ شِيعَتِنَا إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ. [منتخب الأثر، ص ۲۳۳]
امام جواد عليه السلام فرمود: با ارزش ترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است.

انتظار، عمل بزرگ

قَالَ الْإِمَامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عليه السلام:
إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْعَمَلِ.
[يوم الخلاص في ظل القائم المهدي، ص ۳۳۳]

امام زین العابدین عليه السلام فرمود:
انتظار فرج از جمله بزرگترین
اعمال انسان است.

ارزش انتظار

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فَإِنْ مَاتَ
وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ
الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ،
فَجِدُّوا وَانْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيُّهَا
الْعَصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ. [كتاب، الغيبة
نعمانی، ص ۲۰۰]

امام صادق عليه السلام فرمود: اگر کسی
که منتظر حضرت است از دنیا
برود و حضرت بعد از او قیام کند
اجرا و همانند اجر کسی است که
زمان او را درک کرده، پس
بکوشید و منتظر باشید، گوارا باد
بر شما ای یاران مورد لطف خدا.



صلوات و دعا برای فرج آل محمد علیهم السلام

حجت الاسلام سید ابوالفضل موسوی اقداش

مقدمه

صلوات به عنوان يك دعا، نوعی عرض ارادت و اظهار محبت به پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت مکرّم ایشان می باشد که رفته رفته به شعار مسلمانان تبدیل شده است.

تأکید قرآن بر صلوات فرستادن بر حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله در آیه ۵۶ احزاب «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» سبب اهمیت بیشتر آن شده است.

خداوند متعال، حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برای صلوات و درود خویش لایق دانسته و به ملائکه و مؤمنین نیز امر فرموده است تا بر آن حضرت به صورت پی در پی، درود و صلوات بفرستند.

فلسفه صلوات

صلوات فرستادن مسلمانان بر پیامبر صلی الله علیه و آله به گونه ای تشکر از زحمات طاقت فرسای ایشان و اهل بیت علیهم السلام و نیز قدردانی آنها از نعمت هدایت که از بزرگترین نعمت های خداوند است می باشد.

از نظر روانشناسی، صلوات فرستادن برای پیامبر صلی الله علیه و آله موجب ریشه دار شدن محبت به آن حضرت و اهل بیتش می شود و این زمینه سازی روحی، تبعیت بیشتر شخص را از رهنمودهای آن بزرگواران فراهم می کند.

علاوه بر این، صلوات، يك دعا است و موجب نزول رحمت الهی می شود؛ چون مسلمانان هنگام صلوات فرستادن دعا می کنند و از خداوند متعال می خواهند که رحمت بیشتری بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نازل کند و آنان را به درجات بالاتر قرب الهی برساند.

همچنین صلوات موجب شناخت ائمه علیهم السلام و مانوس شدن با آنها و در پی آن، درس گرفتن از مکتب آن بزرگواران می شود؛ لذا صلوات فرستادن بسیار سفارش شده است و یکی از توشه های ارزشمندی است که در آخرت، موجب سنگینی وزنه کارهای نیک ما در میزان اعمال می شود.

ائمه علیهم السلام به عنوان الگوهای عملی ما همواره بعد از ذکر

نام شریف پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات را ذکر فرموده اند که نمونه های بارز آن رامی توان در نهج البلاغه و صحیفه سجاده و سایر ادعیه مشاهده کرد.

برخی از آثار و برکات صلوات

امام رضا علیه السلام می فرمایند: «کسی که توانایی بر چیزی که موجب محو گناهانش می شود ندارد، پس بسیار بر محمد و آلش صلوات بفرستد؛ چرا که صلوات گناهان را نابود و ریشه کن می کند.» (سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۰)

امام صادق علیه السلام نیز فرموده اند: «پیوسته میان دعا و استجابتش پرده ای فاصله می اندازد تا این که بر محمد و آل او صلوات فرستاده شود.» (اصول کافی، ج ۲، ح اول)

ایشان در حدیثی دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند: «هر که بر من صلوات فرستد، خدا و فرشتگان بر او صلوات می فرستند؛ چه کم صلوات بفرستد، چه بسیار.» (همان، ج ۷)

هم چنین رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «صلوات بر من و اهل بیت من، نفاق را از بین می برد.» (همان، ج ۸)

امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام فرمودند: «در ترازوی اعمال، چیزی سنگین تر از صلوات بر محمد و آل محمد نیست و چه بسا مردی باشد که اعمالش را در میزان گذارند و سبک باشد، پس ثواب صلوات او را بیاورند و در میزان نهند، پس به سبب آن سنگین گردد و بر کفه دیگر بچربد.» (همان، ج ۱۵ و ۱۶)

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«هر کس به درگاه خدای عزوجل حاجتی دارد، باید در بیان آن، با صلوات بر محمد و آلش شروع کند و سپس حاجت خود را بخواهد و در آخر هم به صلوات بر محمد و آل محمد پایان دهد؛ زیرا که خدای عزوجل، کریم تر از آن است که دو طرف دعا را بپذیرد و وسط دعا را واگذارد [و به اجابت نرساند]؛ زیرا صلوات بر محمد محجوب نیست [و بدون برخورد به حجاب و مانعی بالا می رود].»

(همان، ج ۱۵ و ۱۶)

صلوات کامل و ناقص

در منابع شیعی و اهل سنت، چگونگی صلوات فرستادن آمده و تأکید شده است که صلوات، کامل فرستاده شود. روایت شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «بر من صلوات ناقص و ابتر نفرستید». اصحاب پرسیدند: «یا رسول الله! صلوات ناقص چیست؟» حضرت فرمودند: «این که بگویند: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ؛ و تا همین جا اکتفا کنید؛ بلکه باید بگویند: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.» (الصواعق المحرقة، ابن حجر هیتمی مکی، ص ۸۷)

هم چنین ایشان فرموده اند: «هر کس نماز بخواند و در آن نماز، بر من و آل من صلوات نفرستد نماز وی قبول نمی شود.» (شرح و فضائل صلوات، احمد بن محمد الحسینی اردکانی، ص ۲۰-۲۱. به نقل از الغدیر، ج ۲) به همین خاطر بسیاری از علمای شیعه و جمعی از فقهای بزرگ اهل سنت، ذکر «آلِ مُحَمَّدٍ» را در صلوات تشهد نماز واجب می شمارند.

صلوات و فرج آل محمد علیهم السلام

روایات زیادی وجود دارد که به طور کلی، امر به دعا برای تعجیل در فرج کرده اند، که توقیع شریف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از این روایات شریف می باشد: «وَ اكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛ برای تعجیل در فرج من، بسیار دعا کنید، زیرا که گشایش کارهای شما در آن است.» اما روایات متعددی نیز وجود دارد که امر کرده اند همراه با ذکر شریف صلوات، برای تعجیل در فرج، دعا شود که در دو دسته کلی گنجانده می شوند.

الف) روایاتی که مختص به زمان یا مکان خاصی هستند؛ مثلاً اعمال شب و روز جمعه، ادعیه شب قدر و....

برای مثال در شب قدر، نمازی ده رکعتی وارد شده که بعد از رکعت چهارم آن، در ضمن دعایی آمده است: «یا گریم، یا گریم، یا گریم، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ بَارِكْ لِي فِي كَسْبِي.»

ب) روایاتی که اختصاص به زمان یا مکان خاصی ندارد و به طور مطلق می باشد؛ مثلاً بعد از هر نماز صبح می توان آن را به جا آورد. امام صادق علیه السلام: «هر کس بعد از نماز صبح و ظهر بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ، نمی میرد تا اینکه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را درك کند.» (مستدرک وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۹۷) گفتنی است که در اسناد و منابع معتبر، صلوات همراه با «و عَجِّلْ فَرَجَهُمْ» نقل شده است.

زبان دعا

دعا به هر شکل و زبانی که باشد مورد قبول است و لازم نیست با کیفیت یا آداب خاصی باشد هر چند اگر با رعایت آداب خاص و با استفاده از کلمات و عبارات پر محتوا باشد، قطعاً بهتر خواهد بود.

ادعیه وارده از حضرات معصومین علیهم السلام بهترین شیوه برای دعا کردن هستند. صلوات دعایی است که ائمه اطهار علیهم السلام که ما را از کیفیت مطلوب آن آگاه ساخته اند.

تولی و تبری

یکی از واجبات مذهب ما تولی و تبری است؛ صلوات، بهترین راه برای نشان دادن تولی است و یقیناً دعا برای تعجیل در امر فرج، به تولایمان خواهد افزود و بهترین شعار برای بیان اعتقاد قلبی ما خواهد بود.

البته در برخی روایات که به تبری توصیه شده است، همراه با صلوات و دعا برای تعجیل در فرج، سفارش شده که نابودی دشمنان اهل بیت علیهم السلام نیز خواسته شود. مثلاً در صلواتی که در کتاب جمال الأسبوع نقل شده، این چنین آمده است: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِكَ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ.»

یا در دعایی در اعمال شب جمعه آمده است، می خوانیم:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ أَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ مِنَ الْآخِرِينَ.»

آری؛ صلوات، بهترین نماد تولی و تبری است. خداوند، ما را با محمد و آل محمد زنده بدارد و با محبت آنها بمیراند و در قیامت، با آنان محشور گرداند و توفیق حضور در عصر فرج آل محمد علیهم السلام و یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نصیبمان بگرداند.

تأثیر مردم در تعجیل در ظهور

حجت الاسلام قنبر علی صمدی

بنابراین، بالا رفتن از هر پله نردبان زمینه های ظهور، ما را گامی به بام ظهور نزدیک تر می سازد و هر عمل فرهنگی و تبلیغی، در تعجیل یا تأخیر در زمان ظهور می تواند مؤثر باشد. اگر برای انقلاب مهدوی به زمینه و محیط مناسبی برای سامان دادن به کارهای علمی، سیاسی، نظامی و فرهنگی نیاز داریم، تشکیل حکومت دینی شیعه در عصر غیبت، گام بلندی به سوی ظهور شمرده می شود.

ب) کاربردی بودن این اندیشه

انتظار ظهور در تفکری که قیام و برنامه های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را از کارکرد جامعه جدا می داند، تفکری عافیت طلبانه و تکلیف گریزانه و پی آمدی جز فرسایش و رکود ندارد.

اما این نگاه بر عمل گرایی و نقش آفرینی انسان تأکید می کند و به طور کاربردی، مثبت، سازنده، پویا و تحول آفرین به مسئله ظهور می نگرد. اعتقاد به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این دیدگاه، تنها ادعا و باور نیست، بلکه راه زندگی فرد معتقد به ظهور را نیز مشخص می کند. این نگاه راهبردی شیعه به آینده روشن و امیدبخش، جامعه مرده و بی تحرک را به جامعه ای زنده و پویا می تواند بدل کند.

تفاوت باورمندان حقیقی با مدعیان، بسیار چشم گیر است. منتظران واقعی به انگیزه اصلاح وضع موجود، می کوشند تا موانع ظهور را بشناسند و آنها را رفع کنند، اما مدعیان انتظار، هر نوع اصلاحی را محکوم می کنند. منتظران واقعی، انتظار را تکلیف و رسالت و مدعیان، آن را رفع تکلیف می دانند. منتظران واقعی، زندگی فردی و اجتماعی خود را با خواسته های منتظر هم آهنگ می سازند، اما مدعیان انتظار هیچ تأثیری از او نمی پذیرند.

منتظران واقعی از سرنوشت خود و جامعه نگرانند، اما مدعیان انتظار درباره سرنوشت خود و جامعه نمی اندیشند. منتظران واقعی برای برپایی عدالت،

تلاش می کنند، اما مدعیان انتظار، استقرار عدالت را به منجی غیبی وامی گذارند. منتظران واقعی، به معروف امر و از منکر نهی می کنند و در برابر آزارها می ایستند، اما مدعیان، به دیگران بی اعتنائند.

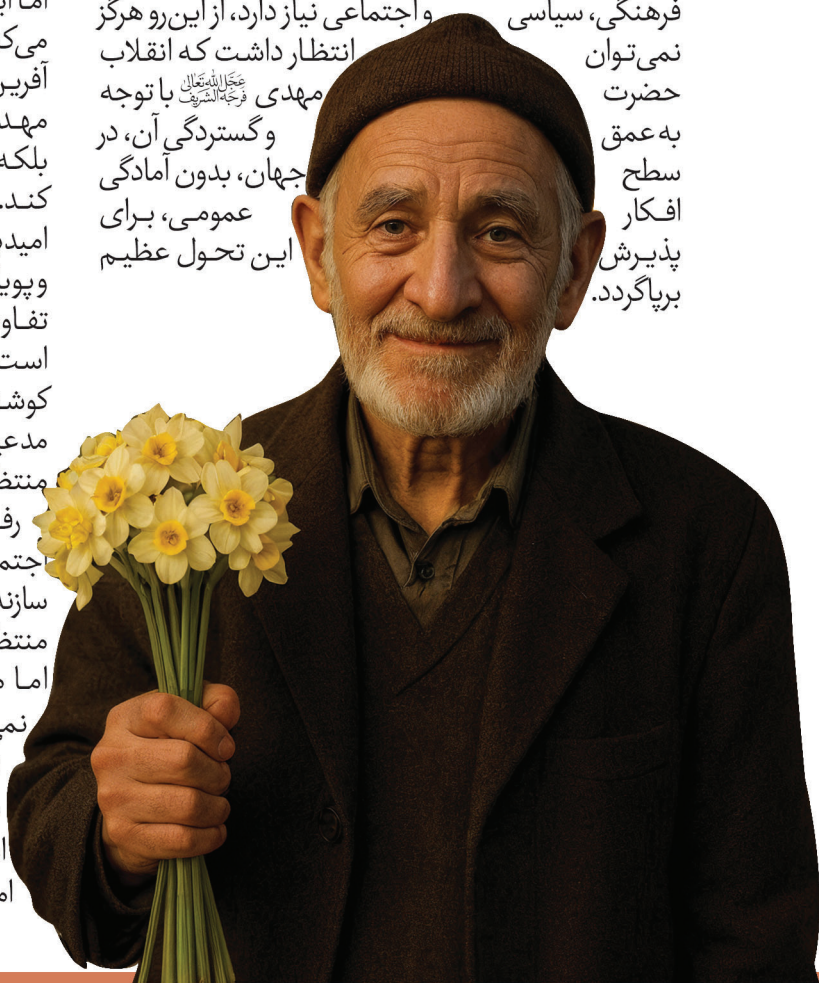
در دو شماره قبل بیان شد که پدیده ظهور با خواست جمعی انسان ها رابطه ای مستقیم دارد و این نگاه با تحلیل قرآنی و شواهد روایی مورد بررسی قرار گرفت و اینک پیامد های این نگاه مورد ارزیابی قرار می گیرد:

الف) تأکید بر عادی بودن فرآیند ظهور

با توجه به سنت های الهی مانند آزمایش و تغییر سرنوشت انسان به دست خودش، انقلاب جهانی حضرت مهدی از مجرای اسباب و علل عادی و طبیعی تحقق می پذیرد. گرچه آن حضرت در این رخداد بزرگ، از حمایت های آسمانی و معنوی برخوردار است، حادثه ظهور از روند عادی و طبیعی خود بیرون نمی رود.

انقلاب جهانی حضرت مهدی موعود در این نگاه، پیش از هر چیز به اراده توده های عظیم انسانی وابسته است و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این کار بزرگ به یاران ویژه ای نیاز دارد. گرچه در آغاز قیام، با موانع فراوان و مقاومت دشمنان، روبه رو می شود، بر اثر رشد افکار عمومی و همگانی شدن اطلاعات، موانع به سرعت رفع خواهد شد و بشر خسته از ظلم و تشنه عدالت، دیدن آرمان های فطری خود در سیمای حکومت حضرت مهدی، به استقبال طرح نظام عدل جهانی، خواهد رفت.

تحقق هر انقلابی با اسباب عادی به مقدمه و زمینه های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیاز دارد، از این رو هرگز نمی توان انتظار داشت که انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با توجه به عمق سطح افکار پذیرش برپا گردد.





تفاوت این دو نگرش، مانند تفاوت دیدگاه حضرت موسی با بنی اسرائیل درباره «ارض موعود» یا فلسطین است. حضرت موسی در مبارزه با فراعنه و جباران حاکم، با امر خداوند به پیروان خود دستور می‌دهد که آن سرزمین را بگیرند:

«يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ»؛ (سوره مائده، آیه ۲۱)

ای بنی اسرائیل، وارد سرزمین مقدسی شوید که خداوند از آن شما ساخته است، مبادا در این پیکار پشت به دشمنان کنید که به سرنوشت زیان باری دچار خواهید شد.

هم موسی و هم بنی اسرائیل، خواستار ورود به سرزمین فلسطین بودند. اما انتظار موسی با انتظار قومش بسیار متفاوت بود. این وعده الهی، از دیدگاه موسی تنها با کاری شجاعانه و ایثار و مجاهدت تحقق پذیر بود. اما بنی اسرائیل، بدون پرداختن هیچ هزینه‌ای، در انتظار تحقق آن بودند و گفتند:

«فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»؛ (سوره مائده، آیه ۲۴)

تو و خدایت با دشمنان بجنگید و شهر را تصرف کنید. ما این جا تماشا می‌کنیم!

این دو نوع نگرش متفاوت، در هر موضوعی، پی آمدهای ویژه‌ای دارد.

آن چه در بحث انتظار ظهور منجی موعود نیز انگیزه، عزم و اراده عمومی را می‌تواند برانگیزد و جامعه را به مرحله عمل، حرکت و دگرگونی برساند، نگرش زنده و اصلاح طلبانه موسایی به این موضوع است.

اگر خواستار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دگرگونی در جهانیم، رخداد ظهور نیز در انتظار کارهای پیشین ما و زمینه‌سازی‌های لازم است. اگر مردم جهان از ظلم، تبعیض، فساد، ناامنی و... خسته شده‌اند و صلح، امنیت، عدالت و رشد و تعالی را می‌خواهند، زمینه‌های پذیرش این تحول بنیادی را در خود باید پدید آورند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تا هنگامی که آهنگ عدالت خواهی فضای عمومی جامعه را پر نکند، هم چنان در پرده غیبت در انتظار خواهند نشست.

پاسخ به یک پرسش

اگر مردم هیچ‌گاه به وظیفه خود عمل نکنند و به ارزش‌های الهی روی نیاورند، آیا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور نخواهند کرد؟

این فرض عملی نخواهد شد؛ زیرا روند رو به کمال رشد افکار عمومی، شکوفایی علوم و آگاهی و تمدن و فرهنگ، از یک سو، میل فطری و طبیعی انسان‌ها به کمال انسانی و ارزش‌های متعالی و فزونی ظلم و فساد و تباهی از سوی دیگر، عوامل بازگشت بشر به اصول دینی و انسانی، به شمار می‌روند. سرانجام، خرد جمعی بشر به این نتیجه خواهد رسید که راه دیگری برای سعادت و صلاح جز بازگشت به این اصول ندارد.

روند سیطره ظلم و فساد و جهان گیر شدن آن، به دلیل ضدیت با خواسته‌های فطری انسان، پایدار نخواهد ماند؛ زیرا شدت و کثرت ظلم و جور، وجدان‌های خفته را بیدار و انسان‌های خسته از ظلم و تشنه عدالت را در پایان، برای استقبال از حکومت عدل جهانی آن حضرت آماده خواهد کرد.



نگاهی به راهبردهای اصولی سیاسی برای حکومت زمینه ساز ظهور

بابره گیری از قرآن کریم (قسمت پنجم)

فرج الله قاسمی

در قسمت چهارم بیان شد که: بررسی و ارائه راهبرد بامبانی قرآنی و فرهنگ انتظار سعی دارد اصول و ارزش ها را در کنار هم در اولویت قرار دهد، نه این که یکی از آن ها را برگزیند، چنان که برخی از مکتب های سیاسی ممکن است اصل برابری را در اولویت قرار دهند و مکتبی دیگر بر اصل آزادی تأکید کند....

برخی مسائل و اصول در راستای وضع مطلوب - حکومت امام مهدی - و مبتنی بر ارزش های اسلامی - قرآنی از جمله مسائل عمومی در عرصه جوامع مدعی منتظر ظهور وجود دارد.

سومین مورد آن با عنوان «آزادی عقیده، اندیشه و بیان و تحمیل نکردن آن ها بر مردم» به صورت مفصل مورد بررسی قرار گرفت و اینک ادامه بحث:

د. ایجاد امنیت در عرصه های مختلف

بدون تردید، یکی از نیازها و آرزوهای برجسته بشر از دیرباز تا کنون که منشأ دگرگونی های فراوانی شده و مدنیت اسلامی و آیات قرآن نیز توجه خاصی به آن کرده است، امنیت کامل در عرصه های مختلف است که تا به حال تحقق نیافته است. بدیهی است تا پیش از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ایجاد امنیت کامل و بهینه به دست حکومت های دنیایی امکان پذیر نیست و این گونه آرمان های عالی الهی و بشری به صورت کامل، تنها در عصر حکومت مهدی محقق خواهد شد. البته این سخن بدان معنا نیست که حکومت های زمینه ساز در این راستا اقدامی نکنند؛ چون حرکت در این مسیر با ارائه راهبرد امنیت از ضروریات تداوم چنین حکومت هایی است.

در قرآن کریم که سیره امام مهدی بر اساس آن است، آیات فراوانی درباره اهمیت امنیت و جایگاه آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان وارد شده است. یکی از آیاتی که تحقق امنیت را از اهداف برقراری حاکمیت خدا و جانشینی مؤمنان و صالحان و طرح کلی امامت معرفی کرده، این آیه است:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ. (نور: ۵۵)

علامه طباطبایی در ذیل این آیه می گوید:

در نتیجه این آیه، وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنین که عمل صالح هم دارند. به آنان وعده می دهد که به زودی، جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می کند و زمین را در اختیارشان می گذارد و دینشان را در زمین متمکن می سازد و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند، می کند؛ امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان و از کفار و جلوگیری هایشان، بیمی نداشته باشند؛ خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۵، ۱۵۱)

تردیدی نیست که نمونه کامل حاکمیت توحید با بهره مندی از امنیت کامل و محیط مناسب برای عبادت که از شرک تهی باشد و خداوند به مسلمانان دارای دو صفت ایمان و عمل صالح وعده داده است، در زمان ظهور امام مهدی تحقق می یابد. البته این آیه در حکومت مهدوی منحصر نمی شود.

مرحوم طبرسی در ذیل آیه مگوید:

از اهل بیت پیامبر این حدیث نقل شده است: این آیه درباره مهدی آل محمد است.

(طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ۲۳۹)

در تفسیر روح المعانی از امام سجاد (علیه السلام) چنین نقل شده است که در تفسیر این آیه فرمود:

هم والله شیعنا اهل البيت، يفعل الله ذلك بهم على يد رجل منا، وهو مهدى هذه الامة، يملأ الارض عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً، وهو الذى قال رسول الله: لولم يبق من الدنيا الا يوم... (الوسی: ۱۴۱۵؛ ج: ۹۶، ۳۹۶) به خدا سوگند، آن‌ها شیعیان ما هستند. خداوند این کار را برای آن‌ها به دست مردی از ما انجام می‌دهد که مهدی این امت است. زمین را پر از عدل و داد می‌کند، آن‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد و هم اوست که پیامبر در حق وی فرمود: اگر از عمر دنیا جز يك روز باقی نماند،...

آیات دیگری در زمینه راهبرد امنیت در قرآن کریم وجود دارد که از مجال بحث خارج است. (نک: ابراهیم: ۳۵؛ نحل: ۱۱۲؛ اعراف: ۹۶؛ آل عمران: ۱۰۳؛ حجر: ۴۵؛ انعام: ۸۱) آنچه مسلم است، این که بشر در حیات اجتماعی خود، قبل از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دچار ناامنی و ظلم و بی‌عدالتی خواهد بود و این مشکلات با استقرار حکومت امام مهدی از بین خواهد رفت و امنیت جای ناامنی‌ها را خواهد گرفت و طبق آیه ۵۵ سوره نور، مؤمنان و صالحان، خلیفه خدا بر روی زمین خواهند شد. امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسالتی را که در ادامه رسالت قرآنی انبیا و امامان معصوم است، در حکومت خود به نتیجه کامل خواهد رساند. این راهبرد امنیتی در حکومت مهدوی، بر اجبار و زور متکی نیست، بلکه همراه با رضایت و پذیرش قلبی مردم است. حضرت با سیاست گذاری و برنامه‌ریزی دقیق و صحیح در این عرصه، در مدت زمان کوتاهی، ناامنی سابق را به امنیت تبدیل می‌کند و همه مردم با رضایت و خشنودی بدان تن می‌دهند و در محیطی پر از امنیت به زندگی خود ادامه می‌دهند؛ امنیتی که بشر در هیچ روزگاری، مانند آن رانده است. گفتنی است راهبرد حکومت‌های زمینه‌ساز نیز باید در همین مسیر باشد.

با این راهبرد و برنامه‌ریزی‌ها، مردم در عرصه‌های گوناگون در امنیت کامل به سر می‌برند. راه‌ها به گونه‌ای امن می‌شود که زنان جوان بدون همراه داشتن محرمی، از جایی به جای دیگر سفر می‌کنند و از هر گونه تعرض و سوء نظر در امان هستند. امنیت کامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و قضایی بر جامعه حاکم می‌شود. انسان‌ها با کمال آرامش بدون تهدیدی از جانب دیگران زندگی می‌کنند. همه این موارد نیز در این راستاست که انسان‌ها با امنیت و آسودگی خاطر به عبادت خدای یکتا بپردازند. در این زمینه، روایات فراوانی نقل شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

... حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَعَلَى رَأْسِهَا زَيْلُهَا لَا يَهْبِجُهَا سَبْعٌ وَلَا تَخَافُ؛ (حرانی، ۱۴۰۴: ۱۱۵)

سطح امنیت به قدری بالاست که زن به تنهایی از عراق تا شام می‌رود و زنبیل بر سر دارد و هیچ درنده‌ای، او را به هیجان در نمی‌آورد و نمی‌ترساند.

... حَتَّى يَأْمَنَ الشَّاةُ وَالذَّنْبُ وَالْبَقَرَةُ وَالْأَسَدُ وَالْإِنْسَانُ وَالْحَيَّةُ وَحَتَّى لَا تَقْرَضَ فَاَرَةً جِرَاباً... (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۶۱) در آن زمان، دنیا به قدری امن و امان می‌شود که گاو و میش، گاو و شیر درنده، انسان و مار در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و همه از گزند دشمنان خویش احساس امنیت میکنند تا آن جاکه هیچ موشی هیچ فرشی را نمی‌جود.

... إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَازْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرَ وَأَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ... (اربی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۶۵) در آن زمان، قضاوت عادلانه حکم فرما خواهد بود؛ جور و ستم برچیده می‌شود و راه‌ها به برکت او امن و امان می‌گردد.

حَتَّى يُخْرِجَ الْعَجُوزُ الضَّعِيفَةَ مِنَ الْمَشْرِقِ تُرِيدُ الْمَغْرِبَ وَلَا يَنْهَاهَا أَحَدٌ... (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۴۵) امنیت چنان حاکم است که پیرزن ناتوان از شرق عالم خارج می‌شود و می‌خواهد به غرب عالم سفر کند و هیچ کس مانعش نمی‌شود.

وَأَلْقَى فِي تِلْكَ الزَّمَانِ الْأَمَانَةَ عَلَى الْأَرْضِ فَلَا يَضُرُّ شَيْءٌ شَيْئاً وَلَا يَخَافُ شَيْءٌ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ تَكُونُ الْهَوَامُّ وَالْمَوَاشِي بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يُؤْذِي بَعْضُهُمْ بَعْضاً وَأَنْزَعَ حُمَةٌ كُلُّ ذِي حُمَةٍ مِنَ الْهَوَامِّ وَغَيْرِهَا وَأَذْهَبَ سَمُّ كُلِّ مَا يَلْدَغُ... (همو: ۳۸۴)

[خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید: در آن زمان، امنیت را بر روی زمین می‌افکنم و هیچ چیزی به چیز دیگر ضرر نمی‌رساند و هیچ چیزی از چیز دیگر نمی‌ترسد تا آن جاکه حشرات و چارپایان در میان مردم حرکت می‌کنند و هیچ کدام به دیگری آسیب نمی‌رساند و ستم‌گزاران را می‌برم و حالت تعصب و درندگی را از درندگان سلب می‌کنم.

حکومتی نیز که برای زمینه‌سازی حکومت مهدوی، راهبرد سیاسی و امنیت آرمانی و مطلوب حکومت مهدوی را تدوین می‌کند، باید برای رفع ناامنی و ظلم‌های حاکم بر عصر خویش گام‌های جدی بردارد.

سازوکار و روش‌ها

بصیرت اخلاقی در عصر ظهور

برای رهایی ذهن و روان انسان‌ها از این سموم روحی و مغناطیس‌های ضد فرهنگی، باید فضا را پاک کرد و آنان را در یک محیط امن فرهنگی و جامعه نورانی قرار داد.

در این صورت است که انسان می‌تواند در یک محیط سالم (هم در ظاهر و هم در باطن)، به پرورش و شکوفایی خود بپردازد و جامعه پاک اخلاقی داشته باشد. روایات تصویر بسیار زیبایی از این طهارت و پاکی محیط و نورانیت جهان در عصر ظهور ارائه می‌دهند:

(یَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا وَنُورًا وَبِرْهَانًا...) (طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۱؛ (زمین را از عدل و داد و نور و برهان آکنده می‌سازد) و (تطیب الدنیا و اهلها فی ایام دولته)

(اربی، کشف الغمّه، ج ۴، ص ۴۹۳)؛

(در روزگار او، دنیا پاکیزه می‌شود و اهل آن نیک و (طاهر) می‌گردند.

نقش و کارکرد هنجاری صالحان و پاکان

وجود انسان‌های فرهیخته، پارسا، عالم و شاهنده در میان مردم و حضور پررنگ آنان در اجتماع و به دست گرفتن امور فرهنگی، علمی و حتی سیاسی، موجب رشد و ارتقای آن جوامع و تربیت صحیح نفوس است.

اینان الگوهای عملی مردم، معلمان و مربیان اخلاق، راهبران دل‌ها و عقل‌ها به سوی ایمان و معرفت و جلب‌کننده برکات و حجت‌های الهی هستند؛ مانند پیامبران، امامان، دانشمندان مذهب، عارفان و... تأثیرات مثبت و سازنده حضور کیفی و کمی آنها در جوامع و کارایی آنان در اصلاح‌گری و انسان‌سازی، به حدی است که امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید:

در هر جامعه‌ای، بهترین برنامه‌ها و قوانین، باید به دست بهترین و شایسته‌ترین افراد و مجریان اجرا شود. به همین دلیل ساختن انسان و پرورش و رشد افرادی صالح و خردورز، مقدمه اصلی برای تشکیل هر نظام صالح و انسانی است. امام مهدی (علیه السلام) نخست به تربیت انسان‌ها می‌پردازد تا دیگر برنامه‌های اجتماعی خود را به شایستگی انجام دهد و عدالت، دادگری، قانون‌گرایی، صلح، امنیت، آرامش و... را در سطح جامعه پایدار سازد. در این شماره سعی می‌شود مکانیسم‌ها و سازوکارهای برگرفته از روایات و منابع دینی و براساس رویکرد اجتماعی ذکر شود:

رویکرد اجتماعی

در این رویکرد، بر سالم‌سازی اجتماع و ایجاد جامعه واحد جهانی (وحدت انسان‌ها)، در پرتو اخلاق الهی تأکید فراوانی می‌شود. در اصلاح اجتماع، نقش صالحان و انسان‌های وارسته، به صورت پررنگ تری مطرح گشته و پاک‌سازی جامعه از مفاسد و شرور و منور کردن فضای آن در اولویت قرار می‌گیرد. در این رویکرد، می‌توان به مکانیسم‌های زیر اشاره کرد:

نورانی‌سازی فضای زیست

انسان در محیطی زندگی می‌کند که هم بعد مادی دارد و هم جنبه فرامادی و ملکوتی. آنچه که او با دیده ظاهر بین مشاهده می‌کند، زندگی فرو بسته دنیایی است؛ با آرایش‌ها و آرایش‌های متعدد و آنچه که او را از حقیقت وجودی اش و آن فضای معنوی و ملکوتی دور می‌سازد (و در فضای آلوده و ظلمانی قرار می‌دهد)، توجه وافر به مادیات، نفسانیات و وهمیات است. در واقع جامعه آلوده، جامعه‌ای است آکنده از امواج منفی و ویرانگر، افکار و اندیشه‌های آلوده و کشنده، رویکردهای شهوانی و حیوانی، انواع تحریکات و فریبایی‌های جنسی و... در واقع انسان - به خصوص در عصر حاضر - در فضای ظلمانی و زهرآگین زندگی می‌کند که بر روح و روان و فکر او اثر منفی و مخربی می‌گذارد (مستقیم و یا غیر مستقیم).

وحدت معقول انسانی

دوری و اختلاف انسان‌ها از همدیگر خواسته‌ها و اهداف متضاد و چنگدانه، ارزش‌ها و هنجارهای گوناگون و... از تهدیدات مهم جامعه بشری و عامل رکود و خمودگی فکری و فرهنگی است.

یکی از برنامه‌های اساسی پیامبران، نزدیک ساختن انسان‌ها به همدیگر، تألیف قلوب، تعمیق مهرورزی و محبت است؛ یعنی، تشکیل امت واحده و بازگرداندن انسان‌ها به فطرت و سیرت واقعی خود. در پرتو این اتحاد و همدلی است که انسان‌ها، یک فرهنگ و آیین واحد را پذیرا بوده و یک هدف و برنامه برای زندگی خواهند داشت. اگر انسان‌ها در جامعه واحد جهانی گرد هم نیایند و بر تنافزها و تعارض‌های فرهنگی و سیاسی و... پافشاری کنند، هیچ برنامه تربیتی و فرهنگی مؤثر نخواهد بود و مشکلات انسان‌ها همچنان باقی خواهد ماند.

پس لازمه رشد فکری و اخلاقی مردم، شکل‌گیری امت واحده، به وجود آمدن حس مشترک جمعی و سرنوشت واحد و فرو کاستن از جدایی‌ها و ارزش‌های چند پاره است؛ امری که در عصر ظهور به طور کامل محقق شده و همه اختلافات، کینه‌ها و مذاهب و... برطرف می‌گردد. آن حضرت الفت و دوستی در دل مردم ایجاد می‌کند و بغض و خصومت را برطرف می‌سازد:

و (إذا قام القائم جائت المزملة...) (مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۳، ح ۱۶۵)
(زمانی که قائم قیام می‌کند، دوستی واقعی و صمیمیت حقیقی پیاده می‌شود).

(هَلَكَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَكِيمٌ يَرْشُدُهُ) (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۵۸)؛ (آن کس که فرزانه‌ای ارشادگر ندارد، هلاک خواهد شد).

انسان همواره به مربی و الگو نیازمند بوده و برای شکل دادن به شخصیت خود، نمونه و سرمشق می‌طلبد. وجود این نمونه‌های الهی، هم بر نورانیت جوامع می‌افزاید و هم نورانیت دل‌ها را فزونی می‌بخشد و نقش مفسدان و انسان‌های اهریمنی را کم رنگ می‌سازد. هر اندازه مربیان انسان، واجد کمالات والا باشند، به همان اندازه می‌توانند نقش مثبت و کارگشایی را در رشد فکری و اخلاقی مردم ایفا کنند؛ چنان که پیامبر اکرم و امامان معصوم (علیهم‌السلام) این اثرگذاری معنوی و روحی را در حد اعلای آن داشتند و در عصر ظهور نیز امام مهدی (علیه‌السلام) و انسان‌های بسیار وارسته و برگزیده همراه او، چنین نقش پویا و مانایی را ایفا خواهند کرد.

بازگشت پیامبر صالح خدا عیسی مسیح (علیه‌السلام)، حضور حضرت خضر و الیاس، رجعت مالک اشتر، سلمان فارسی، مقداد، ابودجانه انصاری، اصحاب کهف، یاران موسی و... در میان یاران حضرت مهدی (علیه‌السلام) در عصر ظهور (ر.ک: مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۶) بی حکمت نیست و خبر از تحولات بسیار گسترده و شگفت‌آوری می‌دهد و نقش بارز مردان الهی را در تطهیر فضای جامعه و انسان‌سازی ثابت می‌کند. علاوه بر اینها انسان‌های صالح و شایسته‌ای نیز جزء یاران خاص امام برای یاری او و راهبری مردم هستند و ایشان به عنوان حاکمان جهان و مسئولان سیاسی و فرهنگی، امور تعلیم و تربیت جهانی را سامان می‌دهند: (گروهی از مردان الهی، دور او گرد می‌آیند، دعوتش را سرپا نگه می‌دارند و او را یاری می‌کنند. آنان وزیران او هستند که سنگینی مسائل کشوری را بر عهده می‌گیرند و او را در مسئولیت بزرگی که خداوند به عهده‌اش گذاشته، یاری می‌کنند) (کاظمی، بشارة الاسلام، ص ۲۹۷)
(و سیصد و اندی به تعداد اهل بدر، در میان رکن و مقام با قائم (علیه‌السلام) بیعت می‌کنند: نجبا از مصر، ابدال از شام، اخیار از عراق و...) (طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۶)

شرورزدایی از جامعه (حاکمیت امر به معروف و نهی از منکر)

یکی از اصول مسلم در تعلیم و تربیت انسان، ریشه‌کنی شرور و ناراستی‌ها از اجتماع و حذف منکرات و ردائیل در هر سطح و مرتبه‌ای است؛ یعنی، در کنار تربیت فردی، باید به تربیت جمعی پرداخت و برای این کار ابتدا باید عوامل و اسباب برانگیزاننده کژروی و ردیلت‌گرایی را از بین برد و با هرگونه ناراستی و منکر برخورد جدی و ریشه‌ای نمود. هرگونه تساهل و تسامح در برابر شرور و مفساد و پذیرش کوچک‌ترین انحراف و انحطاط در جامعه، منجر به شیوع و گسترش آنها و عادی شدن ارتکاب معاصی و منکرات می‌شود. جامعه سالم و تربیت شده، جامعه‌ای است که به قبح و زشتی انحرافات و ناهنجاری‌ها، یقین داشته باشد و با توجه به پیامدهای سوء و ویرانگر آنها، وجود آنها را برنتابد و به فریضه (امر به معروف) و (نهی از منکر) عمل کند.

در عصر ظهور این برنامه تربیتی و اخلاقی به جد پیگیری شده و شرور و ناراستی‌ها از سطح جامعه زدوده می‌شود. این مسأله هم در راستای تربیت دینی و امر به معروف و نهی از منکر است و هم برای حاکمیت قوانین اخلاقی در اجتماع از سوی حکومت جهانی مهدوی پیگیری می‌شود.

(او به کتاب خدا عمل می‌کند و زشتی (منکری) در شما نمی‌بیند، مگر اینکه از آن نهی می‌کند) (کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۹۶). (شرّازبین می‌رود و خیر باقی می‌ماند... زنا و شراب خواری و برایشه کن می‌شود). (صافی، منتخب الاثر، ص ۵۹۲، ح ۴)

حجت الاسلام سید مجتبی معنوی

ماهیت و تاکتیک های جنگ شناختی علیه مسئله مهدویت



علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام نقل کرده است: «أَنَّهُ قَالَ إِذَا فَقِدَ الْخَامِسَ مِنْ وَلَدِ السَّابِعِ قَالَ اللَّهُ فِي أَدْيَانِكُمْ لَا يُرِيْلَتَكُمْ عَنْهَا فَإِنَّهُ لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ إِنَّمَا هِيَ مُحَنَةٌ مِنَ اللَّهِ يَمْتَحِنُ اللَّهُ بِهَا خَلْقَهُ وَلَوْ عَلِمَ آبَاؤُكُمْ وَأَجْدَادُكُمْ دِينًا أَصَحَّ مِنْ هَذَا الدِّينِ لَاتَّبَعُوهُ».

تعبیر «لایزینکم عنها» بیان گر آن است که در دوران پسا غیبت اتفاقاتی روی می دهد که در اثر آن دینداران و معتقدان به امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از درک حقیقت مهدویت باز می مانند و از اعتقاد به مهدویت دست بر می دارند. بر این اساس، تلفات و خسارات در این عرصه از نوع شناختی است و جعل دروغ و باور آن، موجب بازگشت از عقیده به مهدویت و احساس ناامیدی از این مسئله می گردد. از این اتفاق، در زمان معاصر به جنگ شناختی علیه مهدویت تعبیر می شود و شناخت ماهیت آن و بررسی راهکارهای مقابله با آن برای اصلاح ذهنیت آسیب دیدگان در عرصه مهدویت ضروری است. اهمیت تبیین جنگ شناختی علیه مهدویت به جهت ایجاد انتباه (پیش آگاهی) و تحذیر (دور نگه داشتن) منتظران از تهدیدها و آسیب هایی است که مخاطب در اثر جنگ شناختی با آن روبه رومی شود. این رویکرد روایت اول از مهدویت را به مخاطب ارائه کرده و مانع از روایتگری دشمن از مهدویت خواهد شد.

ضرورت انجام این تحقیق از چند جهت قابل توجه است. الف) تأکید مقام معظم رهبری علیه السلام بر توجه به جنگ ترکیبی و به ویژه، شناختی و مبارزه با جریان نفوذ دشمن در لایه های مختلف جامعه اسلامی. ب) تأکید سند مهدویت بر استکبارستیزی و عدم انفعال در مقابل تبلیغات رسانه ای دشمنان. ج) مواجهه هوشمندانه با غفلت و تزلزل اعتقادی در مهدویت و ایجاد تاب آوری در مقابل جنگ شناختی بر علیه مهدویت.

در اندیشه اسلامی علم سلطان دانسته شده است. از آنجا که شناخت و معرفت فرایند علم است، حصول آن نسبت به مهدویت، در عرصه های درک مسئله، تهدیدها، راهبردها و... اهمیت زیادی دارد لذا در متون دینی بر شناخت امامت تأکید شده است.

دشمنان اسلام و مهدویت در صددند تا به هر شکل ممکن به این مسئله مهم ضربه بزنند و مسلمانان را به صورت غافلگیرانه مورد هجوم قرار دهند. چنان که در قرآن کریم آمده است:

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً». بیشترین حاصل تلاش دشمن در این زمینه، مقوله جنگ شناختی علیه مهدویت است که از آن به عنوان جنگ مغزها نیز تعبیر می شود.

جنگ شناختی علیه مهدویت به مجموعه ای از فعالیتها و استراتژی های تحریف، تضعیف، و تکذیب حقیقت، اطلاق می شود که هدف آن تسخیر ذهن افراد است تا در پی آن از تاب آوری در اعتقاد به مهدویت کاسته شود و با عبور از مبانی مهدویت، نارضایتی از باور به این مسئله، ایجاد شود. در نتیجه، باور و رفتار مخاطب نسبت به مهدویت تغییر می یابد، تا جایی که از نظر کسی که مورد حمله شناختی قرار گرفته است، وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موهم و بی فایده تلقی می شود.

جنگ شناختی علیه مهدویت، به طور خاص بر روی مدیریت ادراکات و اطلاعات و روایت دلخواه از حقیقت، تمرکز دارد تا محتوای ذهن افراد معتقد را تغییر دهد، استفاده از رسانه ها، و تکنیک های روانی، دو بازوی قوی برای جنگ شناختی به شمار می رود.

بررسی مسئله مهدویت با رویکرد به مقوله جنگ شناختی با این مسئله نشان می دهد ائمه علیهم السلام نسبت به خطر لغزش و انحراف از مهدویت در دوران پسا غیبت هشدار داده و پیروان خود را به مقابله با آن ترغیب نموده اند.

جنگ شناختی با گزاره‌های دینی و اعتقادی به زمان انبیاء علیهم‌السلام بازگشت دارد. برای نمونه در قرآن کریم آمده است: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ» (انعام، ۱۱۲)

فرافکنی فرعون درباره حضرت موسی علیه‌السلام به عنوان عامل تغییر در دین و او را مظهر فساد دانستن در زمین، از بارزترین نمونه‌های جنگ شناختی با انبیاء است.

«وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ» (غافر، ۲۶)

گزارش‌های متعدد تاریخی بر جنگ شناختی دشمنان با ائمه علیهم‌السلام دلالت دارد. به عنوان نمونه یزید پس از واقعه عاشورا با خواندن آیه ۴۲ شورا «ما أصابكم من مصيبة فبما كسبت أيديكم» به امام سجاد علیه‌السلام گفت: مصیبت کربلا نتیجه رفتار اهل بیت علیهم‌السلام بوده است نه طغیان یزید. (مقاتل الطالبیین ص ۱۲۰)

علی بن ابی حمزه در تبلیغ مهدویت و قائم بودن امام هفتم علیه‌السلام به امام رضا علیه‌السلام گفت: «به ما از پدرت خبر بده». امام فرمود: «پدرم درگذشت». به امام گفت: پدرت امر امامت را به عهده چه کسی واگذاشت؟ امام فرمود: «برای من». علی بن ابی حمزه گفت: «تو سخنی گفتی که هیچ یک از پدران آن را نگفته‌اند». (صدوق، ۱۴۰۴ الف: ج ۱، ص ۲۳۱)

مهم‌ترین تاکتیک‌های جنگ شناختی علیه مهدویت

ارائه بدترین روایت از مهدویت

کتاب‌هایی مانند "مهدی" نوشته کوئینل، "مهدی، ترسی در هزاره" نوشته داکندورف و "امام دوازدهم" نوشته روزنبرگ و "فجر طلایی" نوشته کوستینگن از جمله رمان‌های پر فروش این سال‌ها بوده‌اند که با موضوع امام مهدی علیه‌السلام و توسط برخی از نویسندگان و مقاله‌نویسان مطرح مجلاتی مانند نیوزویک، واشنگتن تایمز و شبکه‌های CNN و ABC نوشته شده‌اند و روایتی خشن و غیر منطقی از مهدویت ارائه کرده‌اند.

کتاب‌های دیگری نیز هستند که در قالب توصیفی-تحلیلی به مهدویت پرداخته‌اند که از جمله می‌توان به "جنگ خدایی با ترور (اسلام، پیشگویی و انجیل)" نوشته ولید شعیبات و یا "ضد مسیح اسلامی" نوشته ریچاردسون.

طرح شبهات به منظور کتمان حقیقت

شبهات احمد الکاتب، ناصر القفاری، عثمان خمیس و... در این زمینه بالغ بر ۳۰۰ شبهه است.

پاره‌گویی حقیقت مهدویت

نظریه کشتار وسیع امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بدون اشاره به جزئیات دقیق ماجرا و به دور از تحلیل محتوا از این قبیل است.

القای ذهنیت دلخواه

نظریه القای فساد فراگیر آخر الزمان بدون پرداختن به زمینه سازی ظهور، مشمول این تکنیک است.

تشکیک در مسلمات مذهبی

نظریه عدم امکان امامت در کودکی و طول عمر با این ترفند القا شده است.

انبوه روایت (مهارزدایی ذهنی از رد جریان باطل)

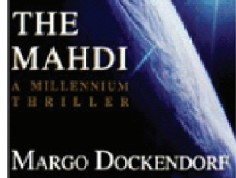
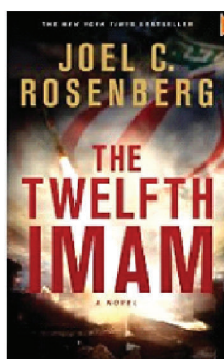
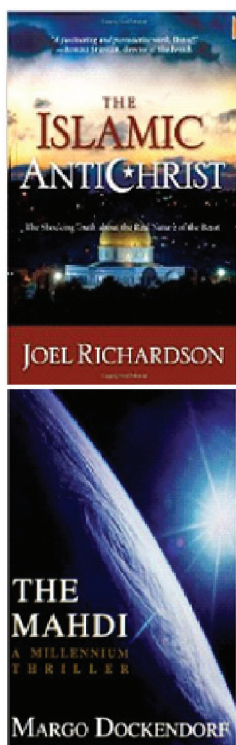
نشر اندیشه مدعیان، بهائیان، وهابیان از این باب است.

تصویر سازی جعلی از مهدویت

ارتداد جوانان، جنگ، دین‌گریزی، مهدی ستیزی روایتگری جعلی مهدویت از این باب است.

جعل، تحریف و دروغ پراکنی در اندیشه مهدویت

نظریه مقابله فقهاء با امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و تقابل شیعیان با آن حضرت، دروغ پراکنی رسانه‌ای از این باب است.



نهم ربیع الاول

نمادپویایی مکتب تشیع

حجت الاسلام قاسم فام

اگر مکتبی بخواهد زنده و پایدار بماند، باید خصوصیت پویایی را در خود حفظ کند. پویایی، نمودهای مختلفی دارد.

یکی از نمودها، «وجود امامت مستمر و بدون وقفه حتی در سخت‌ترین شرایط» می‌باشد.

این بحث را در مورد همه امامان معصوم علیهم‌السلام می‌توان طرح کرد اما وجه طرح این بحث در نهم ربیع الاول، به جهت اهمیت بحث مهدویت و اهتمام ویژه به مقام قدسی حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی است.



توجه به این نکته هم لازم است که پس از شهادت هر امام معصوم علیهم‌السلام، بلافاصله امامت به امام بعدی منتقل می‌شود. به همین خاطر آغاز امامت حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی در روز شهادت پدر بزرگوارش امام حسن عسکری علیه‌السلام (یعنی هشتم ربیع الاول) می‌باشد ولی به جهت ایجاد فرصت برای طرح مباحث پیرامون امامت حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی و یادآوری عمومی امامت و راهبری آن وجود بزرگوار، روز نهم ربیع الاول به عنوان سالروز آغاز امامت ایشان مطرح شده است.



بیعت شناسی

حجت الاسلام خدامراد سلیمیان

واژه «بیعت» واژه‌ای عربی است از ریشه «بیع» به معنای خرید و فروش؛ اما بیعت کردن به معنای این است که دو طرف خرید و فروش، به نشانه تمام شدن معامله و تسلیم، کف دست راست خود را بر هم می‌زنند.

وقتی شخصی با کسی بیعت می‌کند، به این وسیله، فرمانبرداری خود از آن شخص و سرسپردگی در برابر امر و سلطه او را نشان می‌دهد؛ همچنین حاضر می‌شود تا پای فدا کردن جان و مال و فرزند، در راه اطاعت او بایستد.

قرائن نشان می‌دهد که بیعت از نوآوری‌های مسلمانان نیست؛ بلکه سنتی بوده که پیش از اسلام هم در میان عرب رواج داشت؛ به همین دلیل در آغاز اسلام - که طایفه «اوس و خزرج» در ایام حج از مدینه به مکه آمدند و با پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در عقبه بیعت کردند - برخورد آنها با مسئله بیعت، آشنا بود؛ بعد از آن نیز پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در فرصت‌های مختلف با مسلمانان تجدید بیعت کرد؛ اما مگر اطاعت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام که از سوی خداوند منصوب می‌شوند نیازمند بیعت گرفتن است که چنین امری متداول و عادی بوده است؟ جواب منفی است؛ یعنی اطاعت کردن نیازمند بیعت گرفتن نیست؛ بلکه واجب است همه مسلمانان فرمان‌های امام و پیشوای برگزیده خدا را بی چون و چرا اجرا کنند و حتی اگر بیعت هم نکرده باشند موظفند که مطیع باشند.

خب اگر چنین است، پس چرا پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از یاران خویش بیعت گرفت؟ پاسخ این است که: این بیعت‌ها یک نوع تأکید بر وفاداری بوده که در مواقع خاصی صورت می‌گرفته است. البته همین امر در هنگامه ظهور، در بیعت با حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی هم خواهد بود، که جنبه تأکید بر وفاداری دارد. این بیعت در مسجد الحرام و بین رکن و مقام صورت می‌گیرد. همچنین در روایات فراوانی نقل شده که اولین بیعت‌کننده با حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی، جبرئیل، فرشته مقرب الهی است.

سؤال دیگر این است که در این شرایطی که امام از نظرها غایب است، چطور بیعت معنا پیدا می‌کند؟ اگر در معنای بیعت دقت کنیم، در می‌یابیم که همین حالا هم بیعت با امام زمان علیه‌السلام معنا دارد؛ مگر نه این است که در بیعت باید بر وفاداری با شخص بیعت شونده تأکید کنیم و این پیام را به او بدهیم که مطیع امر شما هستیم و سعی می‌کنیم رضایت شما را تأمین کنیم؟ همه این موارد در این زمانه غیبت هم عملی است. می‌توانیم بیعت کنیم که یکی از کارهای زشتان را ترک کنیم و یا یک کار مثبتی را انجام دهیم و در جهت آنها تلاش کنیم؛ پس بیاییم یکبار دیگر با امام زمانمان علیه‌السلام تجدید بیعت و اظهار وفاداری کنیم، باشد که از یاران واقعی ایشان باشیم و چه خوب است که این بیعت را همه ساله در روز نهم ربیع تجدید و این امر را به سنتی مستمر تبدیل کنیم.



سرکار خانم اسلامی و فاضلی

حمایت غرب از اسرائیل ریشه در تفسیرهای دینی کتاب مقدس دارد، اما امروز در قالب سیاست مدرن جلوه یافته است. کتاب مقدس از «اسرائیل» به عنوان قومی روحانی یاد می‌کند، در حالی که دولت کنونی اسرائیل زاده صهیونیسم و تحولات قرن بیستم است. این دوگانگی پرسشی مهم پیش می‌کشد: آیا می‌توان سیاست‌های امروز صهیونیست‌ها را با استناد به متون مقدس توجیه و تقدیس کرد؟

دولت مدرن اسرائیل در سال ۱۹۴۸ میلادی، پس از چند دهه تلاش جنبش صهیونیسم برای ایجاد سرزمینی ملی برای یهودیان شکل گرفت. صهیونیسم که در اواخر قرن ۱۹ به رهبری تئودور هرتزل آغاز شد، در ابتدا جنبشی سکولار بود. هرچند هرتزل مبانی دینی چندانی در اندیشه خود نداشت، اما به مرور با انتشار آثارش و جلب حمایت خاندان‌های بانفوذی مانند روچیلد، کوشید ایده دولت یهودی را بارزنگ و بوی مذهبی همراه کند.

این ایده به‌ویژه در میان پروتستان‌ها، و بیشتر اوانجلیست‌ها، جایگاهی برجسته یافت. آنان تشکیل اسرائیل و تسلط بر سرزمین‌های «نیل تا فرات» را حلقه‌ای کلیدی در سناریوی آخرالزمانی دانسته و آن را مقدمه‌ای ضروری برای بازگشت مسیح می‌پنداشتند. از این رو، تحولات سیاسی پیرامون اسرائیل در نگاه آنان صرفاً رخدادهای زمینی نبود، بلکه نشانه‌هایی مقدس از نزدیکی پایان تاریخ تلقی می‌شد.

چنین قرائتی از دین، یکی از مهم‌ترین عوامل حمایت گسترده از اسرائیل در جوامع غربی امروز است و جایگاه این کشور را در ادبیات آخرالزمانی پررنگ کرده است. با این حال، جریان‌ها و چهره‌های بانفوذی در غرب نیز وجود دارند که این پیوند میان دین و سیاست را نقد کرده و خواستار بازبینی آن شده‌اند.

حامیان سیاسی اسرائیل (منتقدان پیوند دین و سیاست در حمایت از اسرائیل)

در میان حامیان اسرائیل، گروهی بر این باورند که حمایت از این رژیم نباید بر پایه اعتقادات دینی استوار باشد، بلکه باید صرفاً در چارچوب ملاحظات سیاسی و راهبردی تعریف شود. یکی از چهره‌های شاخص این رویکرد «تیموتی فرنیش»

است؛ فردی شناخته‌شده در محافل ضداسلامی و ضدشیعی غرب که مخالفت با اندیشه مهدویت نیز از ویژگی‌های اصلی آثار اوست. فرنیش در مقاله‌ای با عنوان «آیا خدا در کنار اسرائیل و علیه ایران است؟» درباره جنگ اخیر ایران و اسرائیل تأکید می‌کند: «من نمی‌گویم ایالات متحده نباید از اسرائیل حمایت کند؛ باید حمایت کنیم، اما این حمایت باید بر اساس مبانی سخت و استراتژیک سکولار باشد، نه تفاسیر مبهم و بحث‌برانگیز کتاب مقدس که حتی مسیحیان نیز بر سر آن توافق ندارند.» او معتقد است هیچ‌یک از آموزه‌های مسیحیت سنتی، ضرورت حمایت از اسرائیل را در چارچوب رخدادهای آخرالزمانی تأیید نمی‌کند و مسئله فلسطین، پیش از آنکه موضوعی دینی باشد، یک مسئله سیاسی است. از نگاه او، باید گفتمان سیاسی جایگزین ادبیات دینی در حمایت از اسرائیل شود و این رویکرد در سطح عمومی و نخبگانی گسترش یابد. در کنار این جریان، گروه‌هایی نیز در غرب و به‌ویژه در میان یهودیان سنت‌گرا مانند ناتوری‌کارها و ساتمارها اساساً با اصل تشکیل دولت اسرائیل مخالف‌اند. آنان معتقدند ایجاد دولت یهودی پیش از ظهور ماشیح هیچ توجیه دینی و سیاسی ندارد و چنین اقدامی نقض آشکار اراده الهی به شمار می‌رود.



در دعای عهد می‌خوانیم که خدایا «اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَكَ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَكَ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا» سه مرتبه مطرح می‌شود: عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً...

«عَهْدًا» یعنی بستن پیمان «عَقْدًا» یعنی محکم کردن پیمان و «بَيْعَةً» یعنی ملتزم کردن خود به پیمان؛ یعنی پیمان رو عملیاتی کردن و به عمل درآوردن. ما وقتی «عهد» می‌بندیم باید این «عهد» را به «بیعت» برسانیم و عمل کنیم. تاریخ نشان داد که در غدیر، مردم «عهد» بستند اما به بیعت خود عمل نکردند و امام را تنها گذاشتند.

«نه ربیع» که روز «عهد» بستن با «امام» هست و آغاز امامت امام زمان (عج)؛ ما «عهد» که می‌بندیم باید این «عهد» رو محکم کنیم و تبدیل به «عقد» کنیم؛ اما مهم‌تر از همه «بیعت» است و این ملتزم شدن به پیمان رو می‌گن بیعت. برای اینکه عهد ما پابرجا بماند و در آخرالزمان عهدمان را با امام زمان (عج) نشکنیم همانطوری که کوفیان عهدشان را با امام حسین (ع) شکستند و همان طوری که مردم در غدیر بیعت کردند اما عهدشان را با امیرالمؤمنین (ع) شکستند، چند راهکار خدمتتان عرض می‌شود:

یک. درست در خدمت امام زمان (عج) بودن:

یک راهکار بسیار ویژه وجود دارد و آن اینکه به خدمت امام زمان (عج) در بیاییم و در مسیر یاری امام (عج) حرکت کنیم؛ دغدغه‌ای جز یاری ولی خدا نداشته باشیم و تمام زندگی خودمان را در مسیر یاری خدا تعریف کنیم. اگر چنین شد آنگاه «عهد» ما نه تنها شکسته نمی‌شود و نه تنها سست نمی‌شود؛ بلکه روز به روز بر این «عهد» و «عقد» و «بیعت» ملتزم‌تر می‌شویم و پابرجاتر می‌شویم؛ عهدمان و عقدمان عمیق‌تر و قوی‌تر می‌شود؛ مثل یک طنابی که روز به روز ضخیم‌تر می‌شود تا جایی که دیگر پاره شدن نیست.

به همین دلیل می‌بینیم در روایات اهل بیت (ع) به بحث «خدمت به ولی خدا» بسیار اهمیت داده شده است.

چرا که این خدمت، عهدی که مأموم با امام خود دارد را محکم‌تر می‌کند؛ مثلاً ببینید امام صادق (ع) به شدت از هشام تعریف می‌کند و علتش را وقتی می‌پرسند بیان می‌کنند:

«هَذَا نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ وَيَدِهِ». هشام به ما خدمت می‌کند؛ یعنی با این خدمت، هشام عهدی را که با امام زمان خود بسته، به آن ملتزم است. همچنین اهل بیت (ع) کسانی را که به آن‌ها خدمت می‌کردند؛ به دین خدا خدمت می‌کردند را به شدت مورد تشویق و تمجید قرار می‌دادند و این به خاطر پابندی آن‌ها به عهدشان بود.

ما وقتی دعای عهد می‌خوانیم، با امام زمان (عج) عهد یاری می‌بندیم که:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ». بنابراین باید در طول ۲۴ ساعت نشان دهیم که ما از «اعوان و انصار» امام زمان (عج) هستیم و در تراز یک یار، زندگی کنیم.

راهکارهای حفظ عهد و پیمان

با امام زمان (عج) عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

در گفتگو با حجت الاسلام حسن محمودی



وقتی امام صادق علیه السلام می فرماید:

من زرارہ را کہ می بینم «لاستریح»؛ احساس راحتی می کنم، برای این بود کہ زرارہ بہ عہدی کہ بستہ بود ملتزم بود و در مسیر این عہد حرکت می کرد.

ما ہم باید ہمین گونه باشیم و اگر کسی می خواهد عہدش محکم شود دائماً باید دغدغہ یاری امام را داشتہ باشد و دغدغہ اول و آخرش در زندگی، امام زمان علیه السلام باشد.

دو. تجدید عہد روزانہ

وقتی ہر روز انسان عہد خودش را تجدید کند و ہر روز بہ امام زمانش سلام کند. ہر روز بہ امام زمانش ہدیہ بدهد، با او ارتباط قلبی برقرار کند، این باعث می شود کہ بہ عہد خودش پایبند بماند. وقتی خدای متعال در آیہ ۲۰۰ سورہ مبارکہ آل عمران می فرماید: «رَابِطُوا»، امام باقر علیه السلام فرمودند: «رَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُنتَظَر: رابطہ خود را با امام منتظرتان برقرار بدارید».

این رابطہ قلبی با امام، باعث حفظ عہد و پیمان می شود.

سه. گفتگوی روزانہ با صاحب عہد

اگر شیعہ روزی دو دقیقہ با امام زمان خود انس بگیرد و با او صحبت کند، درد و دل کند این صحبت روزانہ و مستمر باعث می شود کہ ارتباطش با امام تنگاتنگ و عہدش با امام محکم تر شود.

مرحوم آیت اللہ کشمیری رحمۃ اللہ علیہ می فرمودند: با امام زمانتان علیہ السلام حرف بزنید تا رفاقتتان با حضرت بیشتر شود».

چهار. ترجیح دادن خواستہ های امام زمان علیہ السلام بر خواستہ های خود

وقتی خواستہ های خود و خواستہ های نفسمان برایمان مہم باشد، بر خواستہ های امام ترجیح می دہیم و بہ خاطر خواستہ های دنیوی، امام را کنار می گذاریم و عہد خود با امام را می شکنیم.

بنابراین باید تمرین کنیم کہ خواستہ های امام را بر خواستہ های خودمان مقدم بداریم.

از امام صادق علیہ السلام سؤال شد: چرا این قدر سلمان فارسی را دوست دارید امام فرمودند: اولاً سلمان فارسی نہ بلکہ سلمان محمدی، ثانیاً بہ این دلیل کہ سلمان خواستہ های امیرالمؤمنین علیہ السلام را بر خواستہ های خودش مقدم می کرد.

ما ہم باید خواستہ های دلمان را و خواستہ های نفسمان را کنار بگذاریم و بہ خواستہ های امام توجہ کنیم.

من اگر خواستہ امام را بر خواستہ خودم ترجیح دادم این باعث پیوند شدید با امام می شود و عہد من را مستحکم تر می کند.





آنچه در بیعت عرضه می شود تمام هستی فرد است

در گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین مجتبی کلباسی
رئیس مرکز تخصصی مهدویت

معنای بیعت

کلمه بیعت از ریشه «بیع» است چون بیعت یک قرارداد و شبیه خرید و فروش است. البته در خرید و فروش طرفین متاع و کالایی مانند زمین، آب، لباس و وسایل دیگر را مبادله می کنند، ولی در بیعت فرد حیات اعتقادی، اجتماعی و سیاسی خود را مورد معامله قرار میدهد و با بیعت به آن گردن می نهد. البته تفاوت های فراوانی بین این دو وجود دارد که به آن اشاره می کنیم.

تفاوت های بیع و بیعت

یک. در خرید و فروش، سود و ضرر نوعاً محدود است ولی در بیعت سود و زیان نوعاً کلی است؛ یعنی مربوط به کل حیات انسان و سمت و سوی حرکت آن می شود.

دو. در خرید و فروش های معمول، طرف معامله خیلی مهم نیست می خواهند کالایی را خریداری یا بفروشند و پس از آن چه بسا هیچ ارتباط دیگری در پی آن نباشد؛ ولی در بیعت طرف آن بسیار مهم است انسان ممکن است کالایی را به هر کسی بفروشد یا خریداری کند، ولی در بیعت نمی توان با هر کسی پیوند برقرار کرد.

سه. در خرید فروش هرچه طرف مهم تر باشد طبیعتاً معامله حساس تر است. گاه مورد معامله کالایی مصرفی است، ولی وقتی چیز مهمی معامله می شود طبیعتاً شرایط خیلی حساس تر است و دقت و تامل بیشتری نیاز دارد. برای مثال اگر زمین بزرگی معامله می شود یا سازه سنگینی مانند کارخانجات که بسیار با ارزش است دقت و بررسی بیشتر و دقیقی نیاز دارد خصوصاً اگر طرف معامله نیز شخصیت و یا شخص مهمی باشد. آنچه در بیعت عرضه می شود تمام هستی فرد است.

در بیعت نیز هرچه طرف بیعت بالاتر، مهمتر و شاخص تر باشد اهمیت و حساسیت بیشتری پیدا می کند. هم چنان که در بین معاملات هیچ معامله ای مهم تر از معامله با خدا نیست؛ هیچ بیعتی سودمندتر و مهم تر از بیعت با خدا نیست لذا قرآن مجید می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَنْشِرُوا بَيْنَكُمْ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه؛ ۱۱۱)

همانا خداوند از مؤمنان، خودشان و دارایی هایشان را خریده است در برابر اینکه بهشت از آن آنها باشد در راه خداوند کارزار می کنند، می کشند و کشته می شوند بنا به وعده ای راستین که بر عهده او در تورات و انجیل و قرآن است و وفادارتر از خداوند به پیمان خویش کیست؟ پس به داد و ستدی که کرده اید شاد باشید و آن است که رستگاری سترگ است.

بیعت با خدا چگونه است ؟ چگونه می توان با او بیعت کرد؟

خرید و فروش با خدا این است که انسان مال یا جانش را در مسیر او می دهد و خدا هم در عوض پاداش عظیمی به او خواهد داد. ولی بیعت چگونه است؟ قرآن مجید این بیعت را برای ما توضیح داده که چگونه می توان با خداوند بیعت کرد.

در سوره فتح آیه ۱۰ می‌فرماید که «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ» کسانی که با تو ای پیامبر بیعت می‌کنند در حقیقت با خدا بیعت می‌کنند و دست خدا بالای دست اینهاست البته نکات فراوانی در این آیه هست که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

بیعت با پیامبر ﷺ و ولی خداوند بیعت با خداوند است

در آیه ۱۰ سوره فتح با تأکید این مطلب را بیان کرده است که بیعت با پیامبر ﷺ بیعت با خداوند است و کسی که با آن حضرت دست بیعت می‌دهد با خداوند دست بیعت داده است؛
 إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَن يُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا
 در حقیقت، کسانی که با تو بیعت می‌کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند دست خدا بالای دست‌های آنان است. پس هر که پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان مشکند، و هر که بر آنچه با خدا عهد بسته وفادار بماند، به زودی خدا پاداشی بزرگ به او می‌بخشد.

بیعت با ولی خداوند آثار و خیرات فراوان دیگری نیز دارد از جمله:

بیعت با خدا موجب رضوان و رضایت الهی، نزول سکینه الهی و فتح خواهد شد. لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا (فتح: ۱۸)
 خدا از مؤمنانی که زیر درخت (در حدیبیه) با تو بیعت کردند به حقیقت خشنود گشت و از وفا و خلوص قلبی آنها آگاه بود که وقار و اطمینان کامل بر ایشان نازل فرمود و به فتحی نزدیک پاداش داد.
 بیعت با خدا موجب نزول سکینه و آرامش؛ موجب اجر عظیم است و شکستن بیعت با خداوند و ولی او بسیار خسارت بار است «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ».

بیعت با پیامبر ﷺ در عصر غیبت

حال این پرسش قابل طرح است که در عصر غیبت چگونه می‌توان با خداوند و پیامبر اکرم ﷺ بیعت کرد؟ پاسخ را باید در قرآن مجید و احادیث نبوی دنبال کرد که فرمود:
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (نساء: ۵۹)
 ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید، پس اگر در چیزی کار به نزاع کشد آن را به حکم خدا و رسول بازگردانید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و خوش عاقبت‌تر خواهد بود.

هم چنین پیامبر خدا ﷺ در حدیث متواتر نقلین فرمود: أَقُولُ وَقَدْ تَوَاتَرَ بَيْنَ الْعَامَّةِ وَالْخَاصَّةِ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَعِرَّتِي أَهْلَ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ (وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۳۳) صاحب وسائل الشیعه می‌نویسد: در بین عامه و خاصه این مضمون متواتر است که رسول خدا ﷺ فرمود: من در میان شما دو امانت سنگین می‌گذارم؛ اگر به آن دو محکم چنگ زدید هرگز گمراه نخواهید شد؛ کتاب خدا و اهل بیت من. هیچگاه آن دو از هم جدا نمی‌شوند تا بر من در حوض (حوض کوثر) وارد شوند. بر این اساس محکم و متقن در عصر غیبت اولاً باید معصومی از عترت پیامبر ﷺ حضور داشته باشد ثانیاً بیعت با او بیعت با خدا و رسول او به شمار می‌رود.

چنانکه در دعای عهد می‌خوانیم: اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي غُنْفِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا، «خدایا! من صبحگاه امروز و هر روز تازنده ام پیمانم، قرارم و بیعتم را با امام خویش تجدید می‌کنم و هیچگاه از آن بر نمی‌گردم و بر آن همیشه پایبندم».

مهم‌ترین محورهای این کتاب:

- صهیونیسم و ادعای مالکیت الهی بر سرزمین اسرائیل؛
- بازنمایی نمادهای هویت‌ساز دولت اسرائیل (پرچم، مکان‌های مقدس، تقویم دینی)؛
- تقدیس نهادهای نظامی و امنیتی به عنوان حافظان وعده الهی؛
- تأکید بر پیوندهای تاریخی و دینی بین قوم یهود و سرزمین مقدس، با حذف کامل روایت عربی، اسلامی این ساختار در قالبی ساده، به گونه‌ای طراحی شده تا مخاطب خردسال را در معرض القای ناخودآگاه ایدئولوژی صهیونیستی قرار دهد.

در تمام صفحات، هیچ اشاره‌ای به بحران فلسطین، یانگاه‌های جایگزین اسلامی و مسیحی به سرزمین مقدس دیده نمی‌شود.

نکته مهم این است که چنین اقداماتی محدود به کتاب نیست. انیمیشن، اسباب‌بازی و جشنواره‌های کودک محور نیز از سوی نهادهای صهیونیستی و مسیحی صهیونیست طراحی شده‌اند. این پروژه‌های هدفمند تربیتی، تنها به انتقال دانش یا آموزش مفاهیم دینی محدود نمی‌شوند، بلکه بخشی از یک راهبرد برای شکل‌دهی به جهان‌بینی نسل آینده‌اند؛ جهانی که در آن اسرائیل یک واقعیت مقدس تلقی می‌شود. از این منظر، کودک به بازیگری بالقوه در دفاع از اسرائیل و مواجهه با «دشمنان اعتقادی» تبدیل می‌شود؛ امری که می‌تواند در آینده، بر نگرش اجتماعی، تصمیم‌گیری سیاسی و حتی الگوهای رفتاری این نسل اثرات عمیق بگذارد. چنین فرآیندی، عملاً مرز میان تعلیم و ایدئولوژیک‌سازی را از بین می‌برد و نوعی بسیج نرم فرهنگی را رقم می‌زند.



پروژه‌های فرهنگی صهیونیسم مسیحی در آموزش کودکان خانم اسلامی

جریانات منجی‌گرایی فعال غربی به‌ویژه در سنت اوانجلیکال صهیونیستی، هم‌راستا با پروژه‌های تمدنی و آخرالزمانی خود، سرمایه‌گذاری سنگینی بر حوزه تربیت نسلی کرده‌اند. یکی از ارکان این پروژه‌ها، تربیت کودکان بر اساس روایت‌های خاص تاریخی، مذهبی و سیاسی است. هدف این جریان آن است که از سال‌های نخست شکل‌گیری هویت فرد، مفاهیم خاصی درباره سرزمین موعود، دشمنان ایمان، ظهور دوباره مسیح و وظیفه حمایت از اسرائیل در ذهن او نهادینه شود که این پروژه، ابعادی آموزشی، روان‌شناختی، رسانه‌ای و حتی امنیتی دارد.

بنیاد مسیحیان متحد برای اسرائیل (CUFI) به رهبری جان هیگی، یکی از مؤثرترین نهادهای صهیونیستی-مسیحی فعال در ایالات متحده است که هدف آن بسیج حمایت فرهنگی و سیاسی از اسرائیل در میان مسیحیان به‌ویژه نسل‌های جوان می‌باشد. انتشار کتاب کودکان «ABCs of the Holy Land» یکی از نمونه‌های برجسته و جدید این موسسه در راستای تأثیرگذاری ذهنی بر مخاطب کودک است. هرچند این کتاب در ظاهر برای آموزش الفبای انگلیسی به کودکان طراحی شده، اما در باطن پروژه‌ای بسیار هدفمند برای آموزش مفاهیم خاص تاریخی و مذهبی در راستای ایدئولوژی صهیونیستی است.

در این کتاب، هر حرف الفبا با مفهومی کلیدی پیوند خورده است که به نوعی باروایت دینی-سیاسی اسرائیل هم‌راستا باشد. به عنوان نمونه:

- حرف A به «Abraham» اختصاص دارد که به عنوان پدر مشترک یهودیان و آغازگر پیمان خدا با قوم برگزیده معرفی می‌شود؛
- حرف I به «Israel» تعلق دارد، که در آن به «سرزمین موعود» و پیوند الهی قوم یهود با این سرزمین اشاره می‌شود؛
- حرف Z به «zionism» اختصاص یافته که به معرفی صهیونیست‌ها پرداخته است.



تاری از کلاف عشق

(از اشک یعقوب تالبخند منتظران)



داستان حضرت یوسف ارتباطی عمیق و روشنی با ماجرای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد. در ادبیات شیعه، غیبت و ظهور حضرت یوسف عجل الله تعالی فرجه الشریف، الگویی برای فهم بهتر مفهوم غیبت و ظهور آخرین حجت الهی است. شباهت‌هایی مانند غیبت طولانی، نجات بخشی در بحران‌ها و زیبایی ظاهری و باطنی، تصویری ملموس‌تر از این دوران ارائه می‌دهند و درک این مفاهیم را برای منتظران آسان‌تر می‌سازند. یکی از نکات جالب و جذاب درباره زندگی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، بررسی شباهت‌های آن حضرت با یوسف پیامبر عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در روایات به آن اشاره شده است. شاه‌بیت شباهت‌ها نیز غیبت و غصه فراقی است که جان‌ها را گداخته، اشک‌ها را جاری و چشم‌ها را به انتظاری پیوسته کشانده است؛ انتظاری که در نهایت به وصال خواهد انجامید. ان شاء الله از این شماره، کوتاه نوشت‌هایی با همین موضوع و با عنوان «تاری از کلاف عشق» خواهیم داشت.

غفلت...

برخی نه تنها از گناه دوری نمی‌کنند، بلکه خود به دنبال آن می‌روند و هر جا که بوی نافرمانی خدا می‌آید، حضور پررنگ تری دارند. بعد همین افراد، خود را منتظر و محب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌دانند، درحالی که رفتارشان نشان دهنده فاصله‌ای عمیق از اصول واقعی محبت و انتظار است. اگر منتظر در برقراری ارتباط واقعی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کوتاهی کرده و به بهانه‌های مختلف یاد ایشان را از زندگی خود فراموش کرده است، باید درصدد جبران برآید، نه آنکه به توجیهات دروغین پناه ببرد. همان طور که برادران یوسف چنین کردند:

«وَجَاؤُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً؛ و پیراهن یوسف را آغشته به خونی دروغین (نزد پدر) آوردند. (پدر) گفت: چنین نیست (که یوسف را گرگ دریده باشد)، بلکه نفیستان کاری (بد) را برای شما آراسته است.» (یوسف، آیه ۱۸)

انگشت به دهان

گاهی اوقات، فرد به دلیل مواجهه با یک موضوع غیرمنتظره یا عجیب، دچار حالت بهت و شگفتی می‌شود و قادر به واکنش فوری نخواهد بود. در چنین لحظاتی، او با چشمانی حیرت زده، تنها با دهن باز و انگشت در دهان به آن موضوع نگاه می‌کند، گویی در تلاش است تا آنچه را دیده یا شنیده، باور کند. وقتی چشم‌های کاروانیان به جمال یوسف افتاد، زیبایی‌اش آن‌ها را متعجب و انگشت به دهان کرد که چرا این نوجوان زیبارو را درون چاه افکنده‌اند: «يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ».

یوسف حضرت نرگس هم زیبایی است^۱ که به تعبیر پیامبر، زیبای بهشتیان است.^۲ بعضی از یاران خاص هم که حضرت را دیده‌اند، به شگفت آمده‌اند، اما دریغ که نالایق‌ها او را به چاه غیبت انداخته‌اند و حسرتش را به دل منتظران گذاشته‌اند.^۳

دلبری داریم که از صاحب دلان دل می‌برد
گر نقاب از چهره گیرد آن نگار نازنین
غمزه‌ای مشکل گشا دارد که مشکل می‌برد
پرتو رخساره‌اش دل‌های مایل می‌برد

نقطه شروع

وقتی قرار است اتفاقی بزرگ و مهم رقم بخورد، مقدمات و بسترهای تلخ و شیرین آن به دقت کنار هم چیده می‌شود و تنها خداوند است که از همان ابتدا، انتهای آن را می‌بیند و از تمام جزئیات آن حادثه آگاه است. به عبارت ساده‌تر: آنچه ما به عنوان حادثه می‌پنداریم، در حقیقت بخشی از طراحی الهی برای تحقق اراده‌ی اوست.

یوسف از چاه بیرون آورده می‌شود، سپس فروخته شده و وارد کاخ مصر می‌گردد. در اینجا قرآن می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ».

به عبارت دیگر، برای رسیدن یک فرد به جایگاه رسالتی که برای او مقدر شده، لازم است مراحل و مقدمات خاصی را طی کند. هرچند در این مسیر، فراق و وصال، گرفتاری‌ها و چالش‌های فراوانی پیش خواهد آمد، ولی وعده خداوند حتمی است و تحقق خواهد یافت. از این رو بعد از اتفاقات فراوان، دوباره در آیه ۵۰ می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ...».

ولادت حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز نقطه آغازین حکومت و ولایت ایشان است، هرچند تا تحقق حکومت ظاهری آن حضرت، فاصله زیادی باقی است و منتظران باید از دشواری‌ها و چالش‌های فراوانی گذر کنند، تا به دوران باشکوه ظهور و آرمان شهر مهدوی برسند. باین حال، وعده الهی قطعی است و تحقق آن حتمی خواهد بود.^۴

۱. درباره چهره آن حضرت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی از نسل من است. سیمایش چون ماه تابان و رنگش عربی (گندمگون) است». کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۵۹ و امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «زیبا چهره و زیبا موی است و موی او بر شانه‌هایش فرو ریخته و درخشندگی چهره‌اش بر سیاهی محاسنش غلبه می‌کند». بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶.

۲. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در توصیف آن حضرت فرمودند: «الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلُ الْجَنَّةِ وَجُوهُهُ كَالْقَمَرِ الدُّرِّي؛ مهدی، طاووس اهل بهشت است. چهره او مانند ماه درخشنده است». بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۵، باب اول، ح ۴۱.

۳. یوسف، آیه ۱۹.

۴. «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ».



مسابقه سراسری

مازند

ویژه نهم ربیع الاول سالروز آغاز امامت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

+ ۱۲ جایزه ۱۰ میلیون ریالی

مهلت شرکت در مسابقه:

۱۱ شهریور لغایت ۹ مهر ماه

مصادف با ولادت امام حسن عسکری علیه السلام

www.mahdaviat.ir

علاقه مندان برای شرکت در مسابقه
می توانند پس از مطالعه منبع مسابقه
و پاسخ به پرسش ها از طریق تکمیل فرم
در مسابقه شرکت نمایند.



برای اطلاعات بیشتر،
اینجا رو اسکن کن!



نمایندگی مکتب حضرت زین العابدین علیه السلام

بنیاد فرهنگ حضرت مهدی موعود برگزار می کند:

پنجمین اجلاس ملی

مکتب ولایت و انقلاب اسلامی

هر قدمی که در راه استواری
این انقلاب اسلامی
برمی داریم، یک قدم به ظهور
حضرت مهدی نزدیکی تر
می شویم.



ISC

مؤسسه استنادی و پایش
علم و فناوری جهان اسلام



مزایای شرکت در فراخوان اجلاس

دارای مجوز ISC وزارت علوم
تحقیقات و فناوری کشور
چاپ آثار برتر در نشریات علمی
و پژوهشی و کتاب اجلاس
همراه با گواهی شرکت در فراخوان

نحوه ارسال مقالات

پایگاه مجازی اجلاس
جهت مشاهده ضوابط و ارسال آثار
www.mahdaviat.ir

قالب های ارائه آثار

رساله دکتری، مقالات علمی
پژوهش های کاربردی
پایان نامه ارشد

مهلت ارسال مقالات ۹ دی ۱۴۰۴

زمان برگزاری

۹ بهمن ماه ۱۴۰۴
استان هرمزگان، بندرعباس

بامحوریت:

خانواده مهدوی و تمدن نوین اسلامی

ضرورت ها و الزامات تحقق خانواده مهدوی تراز تمدن نوین اسلامی
ساز و کارهای تجلی زیست منتظرانه در خانواده تراز تمدن نوین اسلامی
الگوشناسی خانواده مهدوی تراز تمدن نوین اسلامی
چالش ها و تهدیدهای تمدنی فراوری خانواده مهدوی در آخر الزمان

شماره های تماس
۰۲۱ ۸۶۰۳ ۵۶۸۱ / ۰۲۱ ۸۶۰۳ ۴۲۹۷
سامانه پیامکی ۱۰۰۰۰۰۱۲

دبیرخانه اجلاس

تهران / خیابان آیت الله طالقانی
میدان فلسطین / پلاک ۳۸۷



جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور
استاد ارشد علوم



جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور
استاد ارشد علوم



بنیاد فرهنگ حضرت مهدی موعود

السلام علیک یا اباصالح المهدی ادرکنی

یا صنا

هم عهدی در مسیر اراده ها

در روزگار غیبت خورشید ولایت، در هنگامه‌ی انتظار و آزمون، ما منتظران ظهور، هم عهد می‌شویم. هم عهد در مسیر اراده‌هایی که با ایمان، بصیرت و پایداری به سمت تحقق وعده الهی روانه‌اند؛ اراده‌هایی که زنجیرهای ظلم و استکبار را می‌شکنند و زمینه‌ساز حاکمیت صالحان بر زمین می‌شوند. در این مسیر نورانی، به امید اجابت دعای صادقان و با الهام از آیات روشنگر قرآن، پیمان می‌بندیم که سربازان صبور و آگاه ولی خدا باشیم؛ و اراده‌ی خود را در خدمت اراده‌ی الهی قرار دهیم.